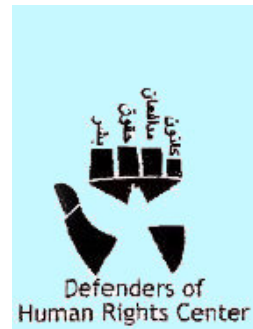


گزارش کانون مدافعان حقوق بشر

در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران در سه ماه گذشته



۱- انتخابات ریاست جمهوری: بنا بر این گزارش نحوه نظارت شورای نگهبان در انتخابات ریاست جمهوری و شیوه برگزاری انتخابات و هم چنین رییس مجلس ششم و رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام ضمن اعتراض به شیوه رای گیری آرا همگی در صحت جریان انتخابات اظهار تردید نمودند و از همه مهمتر آن که یکی از مقامات برجسته حکومت صراحتاً اظهار داشت؛ چون می‌داند که اعتراض او در ایران به جایی نخواهد رسید لذا از طرح شکایت صرف نظر خواهد نمود که این امر موید عدم استقلال قوه قضاییه از جریان‌های سیاسی است.

۲- کردستان: کانون مدافعان حقوق بشر با اشاره به حوادث کردستان، این حوادث را به عنوان یکی از موارد نقض حقوق بشر و ناشی از سوء رفتار و عدم تدبیر برخی مقامات دانسته است.

۳- آقای عبدالفتاح سلطانی: در ادامه این گزارش آمده است: آقای عبدالفتاح سلطانی وکیل پایه یک دادگستری و عضو اصلی هیات مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز و از بنیانگذاران کانون مدافعان حقوق بشر در تاریخ ۸۴/۵/۸ از طرف دادرسی تهران در محل کانون وکلای دادگستری بازداشت و به زندان اوین اعزام گردید، تاکنون به وکلای وی اجازه ملاقات با نامبرده و یا مطالعه پرونده داده نشده است و طرفه آن که دو روز پس از دستگیری از سوی قوه قضاییه اتهام انتسابی به نامبرده جاسوسی اعلام شد و حال آنکه قبل از محاکمه و صدور حکم اعلام چنین مطلبی قانوناً جرم بوده و مستوجب مجازات است. کانون مدافعان حقوق بشر دستگیری آقای عبدالفتاح سلطانی را در راستای تجدید فعالیت‌های مدافعان حقوق بشر ارزیابی کرده و توجه مقامات دولتی و قضایی را به اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در زمینه حمایت از مدافعان حقوق بشر مصوب ۱۹۹۸ جلب می‌نماید.

۴- بازداشت روزنامه نگاران: کانون مدافعان حقوق بشر در ادامه روند تعقیب و بازداشت روزنامه‌نگاران آورده است: در این ارتباط می‌توان از بازداشت خانم رویا طلوعی و آقایان هادی احمدی و

اجلال قوامی و سعید و مسعود باستانی و رامین سلماسی اشاره کرد و تاسف بار آنکه حسب اطلاعات واصله به تعدادی از متهمان مطبوعاتی اتهام محارب گردیده است. کانون مدافعان حقوق بشر در این زمینه بار دیگر بر لزوم رعایت آزادی بیان تأکید نموده و مجدداً درخواست کرده است که از نشریات توقیف شده در سالیان اخیر رفع توقیف به عمل آید و کلیه افرادی که جرم ابراز عقیده و بیان در زندان هستند، بلا قید و شرط آزاد گردند. در ادامه این گزارش آمده است: اکبر گنجی روزنامه نگار ایرانی که به جرم شرکت در کنفرانس برلین به شش سال حبس محکوم شده بود پس از آن که ۵ سال از حبس خود راتحمل نمود در اعتراض به وضعیت نامساعد و تبعیض آمیز خود دست به اعتصاب غذا زد و با تحمل بیش از ۶۰ روز اعتصاب غذا تا آستانه مرگ نیز پیش رفت از آنجا که به درخواست‌های قانونی وی ترتیب اثر داده نمی‌شد و حتی به نامه ای که آقای کوفی عنان، دبیرکل محترم ملل متحد در این زمینه ارسال نموده بودند و نیز به درخواست‌های مکرر و متعدد افراد مختلف در سراسر جهان برای آزادی وی پاسخی داده نشد.

برای جلوگیری از وضعیتی که جبران ناپذیر باشد، همسر وی از مردم آزاده جهان و ایران درخواست نمود تا آقای گنجی را متقاعد سازند که به اعتصاب غذای خود خاتمه دهد. پس از رایزنی‌های فراوان و درخواست‌های مکرر آقای گنجی به اعتصاب غذای خود خاتمه داد و از مرگ حتمی وی جلوگیری شد دو ماه پس از خاتمه اعتصاب به خانواده وی در بیمارستان اجازه ملاقات داده شد اما اکنون نزدیک به دو ماه است که نامبرده به زندان اوین منتقل شده است و کسی خبری از ایشان ندارد.

۵- احکام اعدام: در ادامه این گزارش ادعا شده است: صدور حکم اعدام برای افراد کمتر از ۱۸ سال هم چنان ادامه دارد و متأسفانه به مرحله اجرا نیز در می‌آید، از جمله می‌توان به اعدام دو نوجوان کمتر از ۱۸ سال در شهر مشهد اشاره کرد و امید داریم هرچه سریعتر با اصلاح قانون به اعدام افراد کمتر از ۱۸ سال خاتمه داده شود.

۶- خلع سلاح قضات: این گزارش ادامه می‌دهد: در پی ترور سه قاضی که در یک مورد منجر به مرگ وی گردید، از سوی سخنگوی دادرسی تهران اعلام شد که قضات برای حفاظت از

خواسته‌هایشان مبنی بر علنی برگزار شدن محاکمه عامل جنایت مه‌باد، رعایت کنوانسیون‌های جهانی حقوق کودکان و زنان و از بین بردن رعب و وحشت در کردستان بودند که معلوم نبود منظورشان از رعب و وحشت چیست اما در نهایت این تحصن خاتمه یافت. وی افزود: برداشت ما از تحصن مزبور این بود که این افراد - که این سه‌روزنامه‌نگار هم جزو آنان بودند- محک زدن عکس‌العمل مسوولان استان بود که همین اتفاق دوباره در تاریخ دهم مرداد اتفاق افتاد که البته بدون خشونت به پایان رسید. خامسی تصریح کرد: ما دلایل کافی در پرونده داریم که این سه روزنامه‌نگار و بقیه دستگیر شدگان از جمله عوامل تحریک شهروندان کردستانی بودند البته مطبوعات محلی نیز در تشدید چنین شرایطی نقش داشتند. وی افزود: برخی از این بازداشت‌شدگان دارای اسلحه گرم و سابقه محکومیت هستند و نقش آنها در ناآرامی‌های اخیر پررنگ بود. رییس کل دادگستری استان کردستان در پاسخ به این سوال که آیا ارتباط این بازداشت‌شدگان با عناصر خارجی اثبات شده است، گفت: بر حسب قرائن و مدارک برخی از این افراد با آن سوی مرزها همکاری داشته‌اند.

دادستان تهران با آزادی همسر مخالف است

معصومه دهقان همسر عبدالفتاح سلطانی ضمن ابراز نگرانی نسبت به وضعیت همسرش گفت: با وجود موافقت بازپرس پرونده در همان روزهای اول بازداشت با سپردن وثیقه ۱۰۰ میلیونی و تبدیل قرار بازداشت همسرم ولی به دلیل مخالفت دادستان تهران با آزادی سلطانی این امر محقق نشده است. معصومه دهقان در ادامه افزود: بیش از ۵۵ روز از بازداشت همسرم می‌گذرد که ۴۲ روز آن در سلول انفرادی در بند ۲۰۹ گذشته و در حال حاضر به همراه فرد دیگری در یک سلول نگهداری میشود علاوه بر این‌ها از چشم بند نیز برای همسرم استفاده کردند و در ملاقات لباس زندان بر تن داشته و این در حالی است که تا آنجایی که من دیدم بسیاری از زندانیان دیگر که برای ملاقات آمده بودند لباس شخصی بر تن داشتند و این در حالی است که هاشمی شاهرودی رییس قوه قضاییه بارها نسبت به



زنان از ساعت ۱۸ باید در خانه بمانند!

به دستور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی حضور زنان در همه ادارات، سازمان‌ها و نمایندگی‌های وابسته به این وزارتخانه از ساعت ۱۸ بعد از ظهر ممنوع شد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی طی بخشنامه‌ای که بر روی برد ادارات، سازمان‌ها و نمایندگی‌های وابسته به وزارت ارشاد از جمله خیرگزاری دولتی ایران (ایرنا) و روزنامه ایران نصب شده است، خواستار عدم حضور زنان بعد از ساعت ۱۸ در این مراکز شده است. در این بخشنامه آمده است: با توجه به نقش حساس زنان کشورمان در تعالی جامعه اسلامی و ضرورت حضور موثر بانوان در کانون گرم خانواده جهت ایفای وظیفه حساس تربیت فرزندان به حسب دستور وزیر محترم، مقتضی است از حضور همکاران خانم در کلیه واحدها بعد از ساعت ۱۸ خودداری فرمائید.



اتهامات دادگستری کردستان علیه زندانیان کرد

بنابر گزارش خامسی، رییس کل دادگستری استان کردستان در حاشیه نشست روسای کل دادگستری‌های سراسر کشور با رییس قوه قضائیه، گفت: در جریان این حادثه حدود صد و پنجاه نفر در سنندج و صد و پنجاه نفر نیز در سقز دستگیر شدند که البته بسیاری از این افراد با قرار و بلائید آزاد شدند، اکنون پانزده نفر در بازداشت به سر می‌برند و پرونده اکثر آنان نیز با کیفرخواست به دادگاه ارجاع شده است و برای برخی دیگر به زودی قرار صادر می‌شود. وی افزود: از این پانزده نفر بازداشت شده، سه روزنامه‌نگار به نام‌های رویا طلوعی، سعید ساعدی و اجلال قوامی بازداشت شده‌اند. خانم رویا طلوعی دکترای علوم آزمایشگاهی دارد که قطعه زمینی را برای احداث آزمایشگاهی می‌گیرد اما بعدها در آن جعل انجام می‌دهد که یکی از اتهاماتش جعل سند است.



رییس کل دادگستری استان کردستان ادامه داد: این افراد در اولین اقدام خود در هشتم مرداد ماه در شهر سنندج به همراه چهل نفر دیگر در مقابل استانداری کردستان تجمع و خواهان تحقق

متکی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در حالی که به شدت عصبانی و رنجیده خاطر به نظر می رسید، به خبرنگاران حاضر در مقر سازمان ملل در نیویورک گفته است: کانادا در حال بررسی شرایط است تا قطعنامه جدیدی را پیرامون نقض حقوق بشر در ایران که بنا به گفته وی از سال گذشته پیشرفتی نداشته است، به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه دهد.

آقای پتی گرو به خبرنگاران گفته است: تهران سرعت تلاش خود برای اجرای عدالت در پرونده قتل خانم کاظمی را کاهش داده است و چنین برخوردی کانادا را وادار خواهد کرد تا قطعنامه جدیدی برای محکومیت ایران در نقض حقوق شهروندان به سازمان ملل ارائه دهد. توروئو استار می نویسد: پتی گرو که ظاهراً کاسه صبرش از نحوه برخورد منوچهر متکی همتای ایرانی و واکنش او در مورد قتل زهرا کاظمی عکاس و خبرنگار ایرانی کانادایی لبریز شده به خبرنگاران گفته است: این خانم در زندان مورد تجاوز و ضرب و شتم قرار گرفته و به قتل رسیده است و عدالت در این قتل باید به اجرا در آید و دولت جمهوری اسلامی این عدالت را به خانم کاظمی و جامعه بین الملل مدیون است.

اظهارات پتی گرو وزیر امور خارجه کانادا در مورد پرونده قتل زهرا کاظمی عکاس و خبرنگار کانادایی ایرانی در شرایطی تکرار می شوند که بیش از دو سال است کانادا خواستار اجرای عدالت در مورد این پرونده شده و از ایران خواسته است تا پیکر خانم کاظمی را بنا بر خواست استفان هاشمی تنها پسر این خبرنگار مقتول به کانادا بازگرداند. در حالی که تهران نیز اوتوا را برای عدم اجرای عدالت در قتل کیوان تابش جوان ۱۸ ساله ایرانی به دست مامور پلیس محلی ون کوور سرزنش می کند، آقای پتی گرو در مورد چنین مقایسه ای با لحن سرزنش آمیز و خشمگینی به خبرنگاران گفته است این شگرد مقامات قضایی جمهوری اسلامی است که این دو پرونده را با هم مقایسه کنند، در حالی که همه به خوبی می دانند که مطلقاً چنین مقایسه ای بی معنا است و حتی مطرح کردن آن نیز از منطقی به دور است.

وزیر امور خارجه دولت فدرال کانادا تهران را متهم کرده است با آرام کردن روند رسیدگی مجدد به قتل پرونده خانم کاظمی قصد دارد اجرای عدالت را به تعویق اندازد. وی پس از دیدار با همتای ایرانی خود به خبرنگاران گفت: ایران وعده برگزاری دادگاه تجدیدنظر برای این پرونده داده بود. خانواده و وکلای خانم

اعمال اینگونه رفتار با زندانیان هشدار داده است و خواستار توقف این کارها شده اند.

بر اساس گزارش سال ۲۰۰۵ سازمان ملل متحد

ایران از نظر تعداد معتادین در جهان اول شد

بر اساس گزارش سال ۲۰۰۵ سازمان ملل متحد، ایران رکورد دار تعداد معتادین در جهان است بطوری که ۲/۸ درصد از جمعیت ۷۰ میلیونی



این کشور به مواد مخدر اعتیاد داشته و از این لحاظ ایران در جهان بی رقیب است. بر اساس گزارش سازمان ملل، کشورهای موریتانی و قرقیزستان با ۲ درصد جمعیت معتاد در رتبه دوم و سوم قرار دارند. در ادامه این گزارش آمده است که در زمان زلزله بم در سال ۲۰۰۳ یکی از انواع کمکهای ارسالی به این شهر داروی ضد اعتیاد "متادون" بود چرا که ۲۰ درصد مردم شهر معتاد بودند. آذرخش مکرری مدیر مرکز مطالعات اعتیاد در ایران می گوید که قریب به ۲۰ درصد جمعیت بزرگسال ایران به نحوی مواد مخدر مصرف می کنند. بر اساس ارزیابی وی نیم میلیون دلال مواد مخدر در این کار دست دارند که هر یک به ۳ الی ۴ نفر مواد می فروشند. هزینه مصرف این مواد سالیانه ۳ الی ۵ میلیارد دلار می باشد. قریب به ۲۰۰ هزار جوان در ایران به هروئین معتادند چون این ماده مخدر در بین جوانان بسیار رایج است.

ارائه قطعنامه جدیدی پیرامون نقض حقوق بشر در ایران

وزیر امور خارجه کانادا گفت:

قطعنامه جدیدی پیرامون نقض حقوق بشر در ایران به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه خواهد کرد



وزیر امور خارجه کانادا تهران را تهدید کرده است پس از بررسی امور، قطعنامه جدیدی پیرامون نقض حقوق بشر در ایران به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه خواهد کرد. وزیر امور خارجه کانادا پس از دیدار با همتای ایرانی از نحوه رسیدگی به پرونده قتل زهرا کاظمی عکاس و خبرنگار ایرانی کانادایی در جمهوری اسلامی انتقاد کرد.

روزنامه کانادایی توروئو استار گزارش می دهد پتی گرو وزیر امور خارجه دولت فدرال کانادا پس از دیدار خود با منوچهر

شود و کارکردی نزدیک به شورای امنیت در زمینه حقوق بشر کشورها خواهد داشت.

عنان با اشاره به اینکه ژنو مرکز بسیاری از مراکز انسان دوستانه است، ابراز امیدواری کرد، شورای حقوق بشر در سال جاری میلادی تاسیس شود و در سال ۲۰۰۶ میلادی فعالیت رسمی خود را آغاز کند. دبیرکل سازمان ملل همچنین افزود: سوییس نه تنها نقش فعالی در مسایل حقوق بشر دارد، بلکه در خصوص اصلاحات سازمان ملل و شورای امنیت یکی از موتورهای اصلاحات محسوب می‌شود.

اسرائیل و خطر سلاح اتمی

قطعه‌نامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به اجماع، درخواست کشورهای عرب را برای تقبیح اسرائیل بعنوان خطری برای امنیت خاورمیانه رد کرد اما خواستار ایجاد یک خاورمیانه فارغ از سلاح‌های هسته‌ای شد. در پایان کنفرانس یک هفته‌ای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز جمعه کشورهای عرب خواستار تقبیح اسرائیل شدند. در گذشته کشورهای عرب برای جذب اسرائیل به اجماع تلاش برای ایجاد یک خاورمیانه خالی از سلاح هسته‌ای از طرح مساله خطر سلاح هسته‌ای اسرائیل چشم پوشیدند. اما امسال ۱۵ کشور عربی از جمله تشکیلات خودگردان فلسطینی در نامه‌ای خواستار طرح این مساله در آژانس شدند. سفیر اسرائیل در این سازمان گفت اقدام کشورهای عرب انگیزه‌ای سیاسی دارد.



گزارشگران بدون مرز نگران اکبر گنجی اند

نامه روبرت مننار دبیر اول گزارشگران بدون مرز به وزرای امور خارجه

کشورهای اروپایی در باره ی وضعیت اکبر گنجی



خانم و آقای وزیر: گزارشگران بدون مرز انجمن بین‌المللی دفاع از آزادی مطبوعات خواهان جلب توجه شما به وضعیت روزنامه نگار زندانی ایرانی اکبر گنجی است. این روزنامه نگار در اول شهریور ماه به اعتصاب غذای ۷۲ روزه خود پایان داد، وی در آن مدت بیش از ۲۵ کیلو وزن کم کرده بود. با این حال مقامات

کاظمی نیز در انتظار دادگاه تجدیدنظر هستند و من به آقای متکی گفتم کانادا انتظار دارد تا دادگاه جدیدی تشکیل شود و ایران باید به تعویق انداختن اجرای عدالت در این پرونده را متوقف نماید. آقای پتی گرو در دیدار خود با منوچهر متکی وزیر امور خارجه دولت محمود احمدی نژاد از وی خواسته است تا ایران درخواست وی برای بازگرداندن پیکر خانم کاظمی به کانادا را اجرا نماید، اما توروئتو استار می نویسد پتی گروی خشمگین در پاسخ به خبرنگاران گفته است آقای وزیر حرف‌های پیشین مقام‌های کشور را بار دیگر تکرار کرده است.

طی دو سال گذشته کانادا قطعنامه‌های پیشنهادی خود پیرامون نقض حقوق بشر، عدم رعایت آزادی بیان، وجود شکنجه و آزار و اذیت ناراضیان حکومت در ایران را به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه داد که آخرین قطعنامه پیشنهادی در ماه دسامبر ۲۰۰۴ اکثریت آرا را از آن خود کرد. وزیر امور خارجه کانادا در سخنرانی هفته گذشته خود در مجمع عمومی سازمان ملل با انتقاد از نحوه عملکرد کمیسیون حقوق بشر این سازمان خطاب به رهبران کشورهای جهان گفت: به منظور نگاهی عمیق و موشکافانه به وضعیت نگران کننده حقوق بشر در کشورهایی همچون ایران، ما نیازمند ایجاد اصلاحات در کمیسیون حقوق بشر هستیم تا برای بهبود وضعیت این کشورها به ما یاری رسانند.

تشکیل شورای حقوق بشر در سال جاری میلادی

"کوفی عنان" دبیرکل سازمان ملل متحد که برای شرکت در یک نشست بین‌المللی در سوییس به سر می‌برد، ابراز امیدواری کرد، شورای حقوق بشر در سال جاری



میلادی تاسیس شود و در سال ۲۰۰۶ میلادی فعالیت رسمی خود را آغاز کند. به نوشته مطبوعات روز شنبه سوییس، عنان جمعه شب در دیدارهای جداگانه با "ساموئل اشمید" رئیس جمهوری و "میشلین کالمی ری" وزیر امور خارجه سوییس تضمین کرد که مقر شورای حقوق بشر در شهر ژنو خواهد بود. روزنامه سویسی تاگس انسایگر روز شنبه نوشت: عنان پس از دیدار با این دو مقام سویسی گفت: کشورهای عضو سازمان ملل بر سر این موضوع که مقر شورای حقوق بشر در شهر ژنو باشد، توافق دارند. شورای حقوق بشر قرار است جایگزین کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل

خبرنگاران می گویند شمار حاضران در راهپیمایی، کمتر از تظاهرات اصلی در سال ۱۹۹۵ بوده است. پلیس و سازماندهندگان راهپیمایی، هیچکدام برآوردی از میزان حاضران در راهپیمایی ارائه ندادند.



لوییس فراخان، رهبر جنبش "ملت اسلام" به تظاهرکنندگان گفت که دولت فدرال آمریکا به دلیل ناتوانی از واکنش سریع به فاجعه تندباد، گناهکار است. او گفت: "من اعتقاد راسخ دارم که اگر مردمی که روی آن پشت بامها بودند، موهای بلوند و چشمان آبی و پوستی کمرنگ داشتند، کارها به موقع تر انجام می شد."

لوییس فراخان افزود: "ما آمریکا را به قصور مجرمانه متهم می کنیم." لوییس فراخان، از چهره های بحث انگیز که در گذشته سخنرانی های ضد یهودی و ضد همجنسگرایی داشته، در این سخنرانی اظهاراتی را که اخیرا درباره توفان کاترینا مطرح کرده بود، تکرار نکرد. وی قبلا گفته بود سدهای نیواورلئان ممکن است در اثر انفجار بمب و نه در اثر توفان شکسته باشد.

جسی جکسون، از رهبران کهنه کار مبارزه با تبعیض، از دیگر سخنرانان این راهپیمایی بود و گفت آمریکاییان آفریقایی تبار باید سرخوردگی و انرژوی خود را برای تغییر اجتماعات خود جهت بدهند. او گفت: "از خشونت، نژاد پرستی، یهودستیزی، عرب ستیزی و تحقیر همجنسگرایان پیروی نکنید."

وی افزود: "ما به میلیونها نفر دیگر احتیاج داریم تا ائتلافی چند فرهنگی بسازیم. ما نیاز داریم که به تنهایی با فقر و طمع و جنگ مبارزه نکنیم." این راهپیمایی یک روزه تعداد زیادی سخنران داشت که اساتید دانشگاه و هنرمندان از جمله آنها بودند.

راهپیمایی میلیونی ابتدا به منظور تشویق سیاهپوستان به بهبود بخشیدن به وضعیت خانواده و جوامع آنها برقرار شد و ۶۰۰ هزار تا یک میلیون نفر در آن شرکت می کردند.

گور دسته جمعی زندانیان سیاسی مراکش

یک مقام حقوق بشر مراکش از کشف چند گور دسته جمعی که در آنها اجساد ۵۰ تن از زندانیان سیاسی این کشور که در زندان های سری در دهه ۷۰ مرده اند، خبر داد. به گزارش خبرگزاری



قضایی ایران پس از دو هفته در تاریخ ۱۲ شهریور ماه او را به زندان منتقل کردند. شنبه ۹ مهرماه سهراب سلیمانی یکی از مسئولان زندان اوین اعلام کرده است که این روزنامه نگار در "قرنطینه بسر می برد و وضعیتش بسیار خوب است" اما ما می دانیم که مقامات مسئول ایرانی در گذشته همواره در باره وضعیت زندانیان سیاسی اطلاعات نادرست انتشار می دهند. دادستان تهران سعید مرتضوی انتشار هر گونه خبر را در باره ی اکبر گنجی برای رسانه های داخلی ممنوع کرده است. اکبر گنجی در سلول های انفرادی "بند ویژه" زندان اوین و در تنهایی مطلق بسر می برد. در قرنطینه قرار دادن زندانی زیر پا نهادن صریح همه میثاق های بین المللی ناظر بر حقوق بشر و حتا قوانین ایران در رابطه با حق ملاقات با وکلا و خانواده است. هدف مقامات قضایی ایران از این اقدام شکستن پایداری اکبر گنجی است. رفتار مقامات قضایی ایرانی نسبت به این روزنامه نگار و عدم اجرای تعهدات و قول هایی که به این روزنامه نگار و خانواده ی وی مبنی بر ادامه مرخصی پزشکی اکبر گنجی در نزد خانواده اش داده بودند، شرم آور است. گزارشگران بدون مرز از مذاکراتی که به طور منطقی باید به آزادی اکبر گنجی منجر می شد حمایت کرده بود. اتحادیه اروپا در گذشته بارها خواهان آزادی اکبر گنجی شده است. ما از شما می خواهیم در این باره اقدامات ضروری را انجام داده و در اولین گام سفرای کشورهای اروپایی در تهران رسما از مقامات قضایی ایران خواهان اطلاعات دقیق و موثقی از وضعیت اکبر گنجی شوند. خواهشمندیم ما را هرچه سریعتر از اقدامات خود در این باره مطلع سازید. با امید توجه شما به درخواست ما، خانم ها و آقایان، بهترین احترامات مرا پذیرا باشید.

نابرابری با سیاهپوستان در آمریکا

دهها هزار نفر از آمریکاییان آفریقایی تبار به مناسبت دهمین سالگرد تظاهرات موسوم به "راهپیمایی میلیونی" در واشنگتن راهپیمایی کرده اند. بسیاری از شرکت کنندگان در این تظاهرات، خشم خود را از آنچه برخورد نابرابر با سیاهپوستان در آمریکا دانستند، ابراز کردند. سخنرانان گفتند که سرنوشت اجتماعات فقیر سیاهپوست در پی تندباد کاترینا، این نابرابری را برجسته تر کرده و بیشتر به چشم کشانده است.



ندارد. مدافعان حقوق بشر همواره دولت ازبکستان را به شکنجه مخالفان متهم کرده و رسیدگی قضایی به پرونده آنان را مخدوش و غیرقابل قبول دانسته اند.

اطلاعات جدید در مورد شکنجه در ابوغریب

یک سرباز آمریکایی متهم به شکنجه زندانیان عراقی طی اظهاراتی اعلام کرد وی از موارد بدتری که در زندان ابوغریب اتفاق می



افتد، باخبر است و علاوه بر آن فرماندهان ارتش آمریکا از تمام آنچه در این زندان بدنام عراق روی می دهد، آگاه هستند. اظهارات «لیندی انگلند» که نخستین مصاحبه وی پس از برگزاری جلسات دادگاه وی بوده است، در تناقض با گفته های مقامات بلندپایه پنتاگون است که اعلام کرده بودند تعدادی سرباز خارج از کنترل آنها عامل شکنجه های زندان ابوغریب بوده اند. انگلند که به سه سال زندان محکوم شده و از مقامش در ارتش آمریکا خلع شده است، در گفت و گو با شبکه خبری ان بی سی اعلام کرد این تصاویر - که وی را در حال شکنجه زندانیان عراقی نشان می دهد - گویای تمام آنچه در سلول های این زندان اتفاق می افتد، نیست. وی با بیان اینکه می داند وقایع بسیار بدتری در این زندان روی می دهد، گفت: «یک شب فریادهای وحشتناکی را از حمام یکی از بخش های زندان که بازپرسان یک بازداشتی عرب را به آنجا آورده بودند، شنیدم. آنها دوش را باز کرده بودند تا فریادهای او شنیده نشود، اما این کار آنها بی فایده بود.» وی در ادامه گفت: «آنها هنگام شکنجه های ما هیچ وقت اینگونه فریاد نمی زدند.»

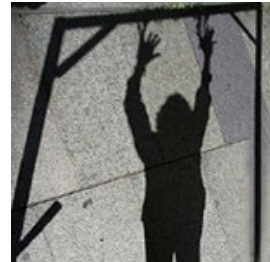
بقیه از صفحه ۲۵

محمدعلی دادخواه: با عنایت به این که اعلامیه جهانی حقوق بشر کلاً نحوه عقوبت و انتقامجویی را از رفتارهای قضایی به دور داشته، باید بگوییم که اعدام در زمانه ما حربه موثری نخواهد بود و اعدام باید امروز از فهرست مجازاتها حذف شود و بیشتر کارکرد و عملکرد دستگاههای قضایی بر این موضع باشد که جامعه را اصلاح کند و به سمت و سوی سوق دهد که از متهم که دچار آسیب شده، یک انسان سالم و صحیح را بپروراند و دوباره به جامعه بازگرداند.

رویترز کمیسیون آشتی و عدالت که به کشف آنچه که برای صد ها مراکشی دستگیر شده در دهه ۷۰ اتفاق افتاده بود، کمک کرد، اعلام کرد مقامات دولت مراکش به این کمیسیون برای یافتن گورهای مرتبط با سه زندان سابق در منطقه ای دور افتاده در جنوب کمک کردند. یک مقام عالی رتبه از این کمیسیون اظهار داشت: «شناسایی این گور ها گام بزرگی است که بر این خواست مقامات تاکید می کند که بدرفتاری های پیشین مجدد تکرار نمی شود.» گروه های حقوق بشر اعلام کردند، در زمان جنگ مراکش و ادعا ها در خصوص صحرای غربی صد ها تن از مراکشی ها دستگیر و تحت شکنجه نیرو های امنیتی قرار گرفتند.

شکنجه در بازداشتگاههای ازبکستان

یکی از کارمندان سابق وزارت کشور ازبکستان در مصاحبه ای گفته است که کاربرد شکنجه برای اخذ اعتراف از متهمان هنگام بازجویی در آن کشور امری متداول است و نه تنها



زندانیان سیاسی، بلکه متهمان عادی نیز تحت شکنجه های توانفرسا قرار می گیرند. به گفته وی، هنگام بازجویی از متهمان عادی بسیاری از آنان مورد ضرب و شتم قرار می گیرند و گاه بازجویان مانع از تنفس آنان می شوند تا هرچه سریعتر اعتراف کنند. در مورد متهمان سیاسی، غالباً در جریان بازجویی به این افراد داروهای تزریقی می شود تا مقاومت آنان کاهش یابد و سپس از متهم خواسته می شود برگه اعترافات خود را امضا کند. محاکمه پانزده نفر به اتهام سازماندهی تظاهرات اندیجان ادامه دارد و متهمان همگی به جرایم خود اعتراف کرده اند اما سازمانهای مدافع حقوق بشر این محاکمه را نمایشی خوانده و گفته اند چنین اعترافهایی با شکنجه و ارباب اخذ می شود و اعتبار ندارد اتهام کاربرد شکنجه در ازبکستان در حالی مطرح می شود که محاکمه پانزده نفر به اتهام عضویت در گروه های پیکارجوی اسلامگرا و سازمان دادن تظاهرات ضد دولتی در اندیجان در ماه مه سال جاری ادامه دارد. تمامی متهمان در دادگاه به جرایم خود اعتراف کرده و فعالیت های خود در این زمینه را به تفصیل شرح داده اند. ناظران جریان دادرسی را محاکمه نمایشی خوانده و گفته اند که اعترافات متهمان به جرایم خود که قطعاً با شکنجه و ارباب اخذ شده اعتبار

وحید ثابتیان

پرونده دوم ایران در راه یک نهاد بین المللی



انتقادهای جهانی از عضویت کشورهای ناقض حقوق بشر در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، این سازمان را به چاره اندیشی واداشت "شورای حقوق بشر" فعالیت رسمی خود را از سال آینده آغاز خواهد کرد. این شورا جایگزین کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل خواهد شد تا نقش مهم تری در پی گیری نقض حقوق بشر در سراسر جهان داشته باشد. مداخله موثر و اعمال فشار بر روی دولت های ناقض حقوق بشر، در دستور کاری این شورا است. آگاهان از همین حالا پیش بینی می کنند که پرونده جمهوری اسلامی از نخستین پرونده هائی باشد که در دستور کار این شورا قرار گیرد. به گفته آگاهان، تشکیل شورای حقوق بشر، نقش جدی تری به سازمان ملل در پی گیری خواست های خود از دولت ها می دهد. سازمان ملل به این ترتیب می تواند از اهرم های بازدارنده سازمان ملل مانند تحریم ها و حتی حمله نظامی برای متوقف کردن موارد حاد نقض حقوق بشر استفاده کند. تشکیل این شورا همچنین اختطاری جدی به کشورهایی است که به صورت مداوم از سوی سازمان ملل و نهادهای وابسته، به نقض حقوق بشر متهم شده اند و پیش از این نیز به اشکال مختلف در مجامع بین المللی مورد انتقاد قرار گرفته اند.

ایران، هدف اول

به اعتقاد کارشناسان، ایران از جمله کشورهایی است که با تشکیل این شورا فشارهای جدی ای را در خصوص مواردی که به نقض حقوق بشر منجر می شود، متحمل خواهد شد. اگر بیانیه ها و گزارش های کمیسیون حقوق بشر درباره کشورهایی مانند ایران تاکنون ضمانت اجرائی نداشت و با رد آن توسط دولت ایران، موضوع در حد گزارشی به دبیرکل و یا ثبت در اسناد سازمان ملل تمام شده تلقی می شد از این پس شورای حقوق بشر همانند سازمان های تابع سازمان ملل، عمل خواهد کرد و می توان پیش

بینی کرد که از این پس علاوه بر موضوع انرژی هسته ای که هم اینک پرونده ایران را در آستانه ارسال به شورای امنیت قرار داده، موضوع حقوق بشر نیز اضافه خواهد شد، تا در صورت موارد نقض مکرر وی توجیهی دولتمردان ایرانی، تصمیمات جدی تری در عرصه بین المللی در این خصوص گرفته شود. این کارشناسان معتقدند علاوه بر ایران، کشورهایی مانند چین، سعودی، پاکستان، سودان، زیمبابوه، مصر، جمهوری های آسیای مرکزی که در جامعه جهانی به نقض مکرر حقوق بشر محکومند، با تشکیل شورای حقوق بشر روزهای سختتری را پیش رو خواهند داشت.

برای تصمیمات جدی تر

کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل متحد که هم اکنون برای حضور در نشستی در سوئیس به سر می برد، در دیدار با رییس جمهوری این کشور اعلام کرده است که دفتر این شورا در شهر ژنو خواهد بود. به گفته دبیر کل سازمان ملل متحد کشورهای عضو این سازمان در خصوص استقرار دفتر شورای حقوق بشر در ژنو توافق دارند. انتظار می رود نقش این شورا شبیه نقش شورای امنیت در ساختار ملل متحد باشد. در اجلاس اخیر سران در ملل متحد که در ماه سپتامبر برگزار شد، برخی کشور ها با شکل گیری چنین شورایی مخالفت کردند. اما کوفی عنان با ارائه طرحی خواستار گنجاندن چنین شورایی در ترتیبات نهادی این سازمان شده و با توجه به انتقادهائی که از جانب کشورهای مردم سالار جهان از کارکرد کمیسیون فعلی حقوق بشر سازمان ملل وجود داشت به تصویب رسید. نیمی از اعضای سازمان ملل معتقدند که کشورهای ناقض حقوق بشر عملا می توانند به اشکال مختلف از تن دادن به الزامات بین المللی و رعایت حقوق بشر خودداری کنند. دبیر کل سازمان ملل متحد در خصوص چرایی تصمیم برای ایجاد سازوکاری جدید به نام "شورای حقوق بشر" گفت: "اعتماد عمومی به سازمان ملل متحد خدشه دار شده و اگر بخواهیم این اعتماد را دوباره به دست آوریم باید ساختار کمیسیون حقوق بشر را عوض کنیم." او با همین استدلال خواستار تغییرات جدی در ساختار کمیسیون حقوق بشر این سازمان شد: " این کمیسیون باید به گروه کوچکتتری که اعضایش توسط مجمع عمومی سازمان ملل انتخاب می شود تبدیل شود."

لویس اریور رییس کمیسیون حقوق بشر ملل متحد نیز، در گزارشی که خرداد ماه سال جاری برای دبیر کل ارسال کرده بود

کارگشا دانسته و به حضور کشورهای ناقض حقوق بشر در کمیسیون ناظر بر موارد نقض حقوق بشر در سازمان ملل متحد انتقاد کرد. به گفته شیرین عبادی در حال حاضر کشورهای عضو کمیسیون حقوق بشر هستند که اساسا خودشان اعتقادی به حقوق بشر ندارند. وی سپس از کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل پرسید که این گونه کشورها چگونه می توانند در مورد سرنوشت حقوق بشر در سایر کشورها تصمیم بگیرند؟ شیرین عبادی در همان سخنرانی نکته دیگری را هم بازگفت. آن جا که اشاره کرد نظارت های سازمان ملل متحد در مواردی از طریق کمیته حقوق کودک، و کمیسیون حقوق بشر اعمال می شود، اما در این مورد که آیا حکومت ها با ان جی او ها و نهادهای مردمی چگونه برخورد می کنند و تا چه میزان آزادی مردم را برای تشکیل نهادهای مردمی محترم می شمارند، ارگانی در سازمان ملل نیست و بایستی تاسیس شود. جایی که نظارت بکند که آیا حکومتی رفتارش با مردم در این زمینه مناسب است یا خیر. شیرین عبادی سپس با انتقاد از وضعیت چینش اعضای کمیسیون حقوق بشر اسلامی، ترکیب آن رامورد انتقاد قرار داد و گفت " در مورد کمیسیون حقوق بشر باید شرط گذاشت که فقط کشورهایی می توانند عضو این کمیسیون بشوند که به شش کنوانسیون اصلی حقوق بشر یعنی کنوانسیون های حقوق مدنی سیاسی، اقتصادی اجتماعی، حقوق کودک، منع شکنجه، منع تبعیض بین حقوق زن و مرد و منع تبعیض نژادی ملحق شده باشند و اگر به اینها ملحق نشده باشند حق عضویت ندارند." وی علاوه بر این پیشنهاد کرد نهادهای بین المللی شناخته شده در زمینه حقوق بشر با حق رای به عضویت کمیسیون حقوق بشر دربیانند، تا از طریق این نهادهای بین المللی صدای مردم از کشورهای مختلف به گوش کمیسیون برسد. نهادهائی مانند سازمان عفو بین الملل، فدراسیون بین المللی جوامع حقوق بشر و سازمان دیده بان حقوق بشر.

بازهم پرونده ایران

پرونده حقوق بشر در ایران، از جمله پرونده هایی است که به صورت سیاسی قابلیت طرح و حضور در شورای حقوق بشر را با توجه به سابقه فشارهای نهادهای بین المللی، داراست. پیش از این رییس کمیسیون امنیت و همکاری اروپا در واشنگتن، اظهار داشته بود که اوضاع حقوق بشر در ایران رو به وخامت است. این کمیسیون که به کمیسیون "هلسنکی" مشهور است، در آستانه

برای مواردی همچون مناقشات و ناکامی کشورها در اجرای دموکراسی، از کشورها و دفاتر حقوق بشر منطقه ای کمک خواسته بود. رییس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، گزارش خود را جنبه عملی و وظایف کمیسیونی می داند که وظیفه آن نگاهبانی از موازین حقوق بشر است. با وجود این که برنامه های حقوق بشر سازمان ملل متحد پس از جنگ جهانی دوم پیشرفت های چشمگیری داشته، اما با توجه به چالش های کنونی جهان و وخامت وضعیت حقوق بشر در برخی کشورها، به نظر می رسد گسترش برنامه های کمیسیون حقوق بشر کار چندان ساده ای نخواهد بود. در حال حاضر کمیسیون حقوق بشر فقط ۱/۸ درصد کل بودجه سازمان ملل را دریافت می کند. بخش بزرگ تر بودجه این کمیسیون از منابع دیگر تامین می شود.

آرپور معتقد است که برای بالا بردن کارآیی این کمیسیون، بودجه کنونی آن که بیش از ۸۶ میلیون دلار است باید ظرف پنج یا شش سال آینده دو برابر شود. او با طرح عنان برای ایجاد یک شورای دائمی حقوق بشر که کار آن نظارت بر اوضاع حقوق بشر در اکثر کشورهای جهان خواهد بود، موافق است.

کمیسیون حقوق بشر در حال حاضر مرکب از ۵۳ کشور عضو سازمان ملل است که به صورت ادواری به عضویت کمیسیون درمی آیند و هیچ ضابطه مشخصی در این روند تاثیر نمی گذارد، بنابراین همه ساله علاوه بر کشورهای دموکرات، از کشورهای جهان سوم هم در این کمیسیون شرکت می کنند. همین ترکیب باعث می شود کشورهایی که خودشان در مظان اتهام هستند، به عضویت کمیسیون در آیند و حتی می توانند به ریاست آن برسند. یک فعال حقوق بشر بر همین اساس می گوید کمیسیون به شکل فعلی نمی تواند به طور بی طرفانه و واقع گرایانه به مساله حقوق بشر بپردازد. به عنوان مثال علیرغم موارد نقض متعدد حقوق بشر در کشورهایی مانند سودان، چین، عربستان و پاکستان و ایران به دلیل حضور فعال نمایندگان این کشورها در کمیسیون، کارد کمیسیون از تیزی می افتد و در بسیاری از موارد قطعنامه ای علیه این کشورها صادر نمی شود.

شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل سال ۲۰۰۳، در سخنرانی خود در نیویورک مقارن با اجلاس سران سال جاری با حمایت از طرح شورای حقوق بشر، اعمال فشار سازمان ملل متحد بر حکومت هایی که فعالیت های نهادهای غیردولتی را محدود می کنند

کانت، دربرگیرنده ی هر فرد انسانی است. به این اعتبار، کانت نخستین فیلسوف روشنگری اروپاست که پیگیرانه خواهان ایجاد یک «جامعه ی شهروندی جهانی» است. کانت از طریق ایجاد چنین نهادی، در پی جلوگیری از بروز منازعات نظامی و جنگهای خانمانسوز است. وی ضرورت ایجاد «قوانین بین المللی» را برای متعدد ساختن همه ی دولتها یادآور می شود و تصویب چنین قوانینی را در خدمت ایجاد «جمهوری جهانی» می داند. به نظر کانت، حقوق بشر جهانشمول و تقسیم ناپذیر است و برای کل خانواده ی بزرگ بشری اعتبار دارد.

بقیه از صفحه ۱۶

دادخواه در پایان جلسه هفتگی این کانون گفت: امروز مباحث مختلفی در کانون مدافعان حقوق بشر مطرح شد، اما نکته ای که برخی بر روی آن پای فشرده این بود که با توجه به انتخاب آقای «البرادعی» به عنوان برنده جایزه صلح نوبل و با در نظر داشتن این که خانم «شیرین عبادی» نیز برنده جایزه صلح نوبل شده اند چون در شرایط فعلی حفظ منافع ملی مهمترین موضوع در این مذاکرات است و منافع ملی یعنی رعایت حیثیت، اعتبار و سود و زیان هر یک از آحاد این مرز و بوم، فارق از این که چه گرایش، روش و منشی را انتخاب کرده اند، لذا به نظر می رسد اگر خانم «شیرین عبادی» به عنوان برنده جایزه صلح در مذاکرات هسته ای داخل شوند می توانیم بهترین راه را ترسیم کنیم. باید به این نکته توجه داشته باشیم که اهداف آژانس انرژی اتمی وابسته به سازمان ملل متحد در نهایت جلوگیری از گسترش خشونت، جنگ و تجاوز است که مفهوم مخالف یعنی توسعه صلح و ایجاد امنیت است. پس منتخبان «جایزه صلح» در یک گفتگوی رودررو بهتر می توانند به یک تفاهم و تفهیم مصادیق و اهداف این خواسته جهانی برسند، لذا این پیشنهاد می تواند فضای مذاکرات را به گونه ای که اعتماد طرفین را جلب کرده و منافع ملی را تضمین کند. «دادخواه» اظهارامیدواری کرد که مدیران و مسیولان ارشد با فرزاندگی و خرداندیشی در این موضوع عمل کرده و تصمیم بگیرند.

برگزاری نشست اخیر شورای حکام، در اولین نشست های خود به بررسی آنچه «اقلیت رژیم های خودسر و تاثیر آنها بر سازمان امنیت و همکاری در منطقه اروپا» خوانده شده، پرداخت. سناتور سم براون بک رییس این کمیسیون گفت که لازم است آمریکا و متحدین اروپایی اش برای اعمال فشار بر تهران به منظور بهبود سابقه این کشور در زمینه حقوق بشر، استراتژی مشترکی اتخاذ کنند. و حالا به نظر می رسد با تشکیل شورای حقوق بشر ملل متحد، زمینه های اتخاذ این تصمیمات مشترک، اندک اندک فراهم می شود. رییس کمیسیون هلسنکی در اظهاراتی مستقیم وبدون پرده گفت که سابقه بد حقوق بشری حکومت ایران واقعا رو به وخامت گذاشته است و این چیزی نیست که آمریکا و متحدین اروپایی آن بتوانند نادیده بگیرند. این سناتور پس از اشاره به آنچه «تهدیدهای فزاینده جاه طلبی های هسته ای ایران» خواند از دولت آمریکا خواست تمرکز خود را از این پس بر حقوق بشر در ایران قرار دهد. همکاری کمیته هلسنکی با شورای حقوق بشر و دیگر ساز و کارهای پیگیری فشار برای تحقق حقوق بشر، در صورت ادامه روند فعلی وضعیت حقوق بشر در ایران، باعث چالش های بزرگی برای دولت جدید خواهد شد.

بقیه از صفحه ۱۰

با رای مستقیم ساکنان آنها برای دوره های چهارساله انتخاب می شوند و هر هشت ماه یکبار، به طور دوره ای ریاست شورا را در دست می گیرند. جمهوری بوسنی حدود چهار میلیون جمعیت دارد که ۴۸ درصد آن را بوسنیایی های اکثرا مسلمان، ۳۷ درصد را صرب های اکثرا ارتدوکس، ۱۴ درصد را کروات های اکثرا کاتولیک و بقیه را سایر اقوام تشکیل می دهند.

بقیه از صفحه ۱۲

که آزادی عقیده و بیان نزد کانت، دارای ارزشی کانونی است. کانت وجدان آگاه و بیدار اجتماعی را مهم ترین نهاد کنترل قدرت به حساب می آورد. آخرین نکته ای که می توان در اندیشه های حقوق بشری کانت به آن اشاره کرد، گرایش جهانشهری اوست که نتیجه ی نگاه او به انسان به مثابه غایت به ذات است. برای کانت، موضوع حقوق بشر را نمی توان به مناسبات داخلی یک کشور محدود ساخت. چرا که حق بشری، حقی است که به هر انسانی به دلیل انسانیت او تعلق دارد. «ایده ی بشریت» در نظر

جمعیت دفاع از حقوق بشر در ایران

www.polpiran.com

5122,CDN – C.P. 49552, Montreal, QC H3T 2A5

فهرست مرتکبین کشتار سربرنیتسا تدوین شده است



مقامات جمهوری صرب بوسنی فهرست هزاران تن از نظامیانی را تدوین کرده اند که در زمان قتل عام مسلمانان شهر سربرنیتسا در این منطقه بودند و تعدادی از آنان همچنان در مشاغل دولتی و نظامی فعالیت دارند. فهرست محرمانه ای که دولت صرب بوسنی تهیه کرده است شامل اسامی بیش از نوزده هزار نفر از کسانی است که در ژوئیه سال ۱۹۹۵ و زمان قتل عام بیش از هفت هزار تن از مردان مسلمان ساکن سربرنیتسا در این منطقه خدمت می کردند. گفته می شود حدود نصد تن از این افراد هنوز هم به عنوان کارمندان دولت و افراد ارتش و پلیس در منطقه جمهوری خودمختار صرب بوسنی به کار اشتغال دارند. تدوین این فهرست بخشی از روند همکاری دولت صرب بوسنی با تحقیقات بین المللی در مورد جنایات جنگی در جنگ داخلی بوسنی و هرزگوین است که تحت فشار جامعه جهانی به جریان افتاده است. از دولت صرب های بوسنی خواسته شده است ارتکاب جنایات جنگی توسط ماموران صرب را مورد قبول قرار دهد و در پیگیری مرتکبین آنها با مراجع بین المللی همکاری کند. به گفته منابع صرب های بوسنی، فهرست تدوین شده به این معنی نیست که تمامی افرادی که هنگام وقوع قتل عام در منطقه بودند در این ماجرا دست داشتند هرچند اسامی تعدادی از کسانی که قبلا نیز به عنوان مسئولین صدور دستور قتل عام شناسایی شده بودند در این فهرست دیده می شود. مقامات صرب بوسنی متعهد شده اند که به پرونده ۸۹۲ نفری که هنوز در مشاغل دولتی خدمت می کنند رسیدگی کنند. این فهرست در عین حال به ماموران رسیدگی به جنایات جنگی در بوسنی امکان آن را می دهد تا تصویر کاملتری از واقعه سربرنیتسا به دست آورند. تا کنون راتکو ملادیچ، فرمانده ارتش صرب بوسنی در زمان قتل عام سربرنیتسا، و رادوان کارادیچ، رهبر تشکیلات دولتی در آن زمان رسماً به ارتکاب جنایات جنگی متهم شده اند. در همانحال، هنوز هم تعدادی از کسانی که به عنوان متهمین این واقعه تحت تعقیب قرار دارند دستگیر نشده اند و گفته می شود در بوسنی یا جمهوری صربستان و مونتنگرو مخفی هستند.

کشتار فجیع

از ماجرای قتل عام هزاران مرد و نوجوان مسلمان ساکن سربرنیتسا به دست نیروهای صرب با عنوان فجیع ترین کشتار غیرنظامیان از زمان خاتمه جنگ دوم جهانی یاد شده است. این قتل عام بخشی از تاریخ تلاش مردم بوسنی برای ایجاد یک کشور مستقل است که با اعلام استقلال بوسنی در سال ۱۹۹۲ آغاز شد. تا آن زمان، بوسنی و هرزگوین، در کنار جمهوری صربستان، جمهوری کرواسی و مناطق دیگر، یکی از جمهوری های تشکیل دهنده جمهوری فدرال یوگوسلاوی بود. اعلام استقلال بوسنی، که با حرکت استقلال طلبانه جمهوری کرواسی نیز همراه بود، با مخالفت دولت فدرال و عملیات نظامی ارتش مرکزی و نیروهای متشکل از صرب های ساکن بوسنی مواجه شد و چهار سال جنگ خونین داخلی را در پی آورد. دولت یوگوسلاوی، که صرب ها بر آن تسلط داشتند، با نظریه ایجاد صربستان بزرگ می کوشید بخش شرقی بوسنی را، که اکثر ساکنان آن صرب تبار بودند، به صربستان بازگرداند و به این منظور، به حمایت از نظامیان صرب پرداخت.

در سال ۱۹۹۵، با میانجیگری ایالات متحده و کشورهای اروپایی، جمهوری یوگوسلاوی با استقلال بوسنی موافقت کرد و به منظور خاتمه دادن به جنگ میان نظامیان صرب و دولت بوسنی، نیروهای بین المللی در مناطق حساس بوسنی مستقر شدند. با اینهمه، در ماه ژوئیه همان سال، در حالیکه واحدهایی متشکل از حدود ۶۰۰ سرباز هلندی با تسلیحات سبک در منطقه سربرنیتسا، ماموریت حمایت از هزاران پناهنده مسلمان و شبه نظامیان مسلمان خلع سلاح شده را برعهده داشتند، نیروهای صرب به حملاتی علیه این منطقه دست زدند. ماموران هلندی با بازگرداندن اسلحه به شبه نظامیان مسلمان مخالفت کردند و همزمان، قادر به مقاومت در برابر تهاجم نظامیان صرب نبودند. روز ۱۱ ژوئیه، راتکو ملادیچ وارد سربرنیتسا شد و عملیات اخراج حدود بیست و سه هزار تن از زنان و کودکان مسلمان تحت نظر وی به جریان افتاد. دو روز بعد، برنامه کشتار جمعی هزاران تن از مردان و جوانان مسلمان توسط نیروهای صرب به اجرا گذاشته شد. جمهوری بوسنی در حال حاضر از سه جمهوری خودمختار صرب در شرق، کروات در شمال و بوسنیایی در مرکز تشکیل یافته است و رهبری کشور بر عهده شورای متشکل از روسای جمهوری این سه منطقه است که

بهرام محبی

فلسفه‌ی حقوق بشر (گفتار نهم)

ایمانوئل کانت و حقوق بشر



در بررسی دیدگاه‌های متفکران دوره روشنگری در مورد حقوق بشر، به ایمانوئل کانت (Immanuel Kant) فیلسوف بزرگ آلمانی می‌رسیم. وی در سال‌های پایانی سده‌ی هجدهم، یکی از آثار پر اهمیت خود را در این زمینه تحت عنوان «مابعدالطبیعه‌ی اخلاق» منتشر ساخت. کانت در این اثر، آزادی انسان را حتی فطری و همزاد او و به عنوان حقی بشری به رسمیت می‌شناسد. آزادی به مفهوم کانتی آن، مادامی که با آزادی هر فرد دیگر، بتواند در چارچوب یک قانون عمومی برقرار باشد، تنها حق اولیه‌ی ای است که به هر انسانی به دلیل بودنش تعلق دارد.

کانت همه‌ی دیگر اصل‌های حقوق بشری مانند برابری و استقلال انسان را از همین اصل بنیادین آزادی مشتق می‌کند. به این ترتیب، این کانت است که در فلسفه‌ی سیاسی خود، نه تنها آخرین پیوندهای میان اندیشه‌ی سیاسی دوران جدید و دوران‌های پیش از آن را بطور قطعی می‌گسلد، بلکه فراتر از آن، مفهوم «حق طبیعی» عصر روشنگری را به گونه‌ای پیگیر رادیکالیزه می‌کند.

نگاه کانت به انسان ژرفکاوانه است. به نظر وی، اگر بتوان چیزی را فرض کرد که وجود آن در نفس خود ارزشی مطلق داشته باشد، یعنی غایت به ذات باشد، می‌توان آن چیز را سرچشمه‌ی قوانین قطعی دانست و «بایسته‌ی قطعی» یا قانون عملی را از منشاء آن استخراج کرد. کانت انسان را دارای چنین خصوصیتی می‌داند و تصریح می‌کند که هر ذات خردمند، تنها چیزی است که به منزله‌ی غایتی فی‌نفسه وجود دارد و نه به مثابه وسیله‌ای که این یا آن اراده بتواند او را بطور خودکامانه در خدمت گیرد. بنابراین، انسان در همه‌ی فعالیتهای خویش، چه به او مربوط باشد و چه نباشد، همیشه باید در آن واحد در مقام غایت در نظر گرفته شود. از همین رو به نظر کانت، همه‌ی اشیاء دارای قیمت هستند و این تنها انسان است که دارای حرمت و منزلت است. این اصل را

کانت به مثابه‌ی آغازی برای «بایسته‌ی قطعی»، بصورت گزاره‌ی زیر فرمولبندی می‌کند: «چنان رفتار کن که بشریت را چه در شخص خود و چه در شخص هر کس دیگر، همواره همزمان به مثابه غایتی به شمار آوری، و نه هرگز فقط به مثابه وسیله‌ی ای».

گفتیم که کانت پرتویی تازه بر اندیشه‌ی «حق طبیعی» دوره‌ی روشنگری می‌افکند. نزد او، حق طبیعی نه کارکردی توصیفی یا تشریحی، بلکه کارکردی هنجاری دارد و نمی‌تواند از طبیعت جسمی و روانی انسان مشتق شود، برای کانت روشن است که چنین حقی، فقط باید حتی بنیانگذار یا تأسیسی از طرف انسان و به عبارت روشن تر «حق خرد» باشد. به نظر کانت، حق طبیعی، مبتنی بر اصل‌های پیشینی یا آزاد از تجربه (آپریوری) است. کانت میان حق طبیعی آزاد از تجربه که همان حق خرد است و حق موضوعه یعنی حق وضع شده از طرف قانونگذار، پیگیرانه تفاوت قائل می‌شود. اگر حق موضوعه، از منظر سیاسی و تاریخی چیزی نسبی است، این امر در مورد حق طبیعی پیشینی صادق نیست. به این اعتبار، حق طبیعی پیشینی، مستقل از شرایط فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و دینی است و می‌بایست به مثابه حقی نامحدود و جهانشمول برای همه‌ی انسانها اعتبار داشته باشد. بنابراین این حق، حقی بشری است. همانگونه که گفتیم، برای کانت این حق بشری، به معنی حق برخورداری از آزادی است.

اگر چه کانت در نکته‌ی یاد شده، با روسو هم نظر است، اما تعریف ویژه‌ی خود را از آزادی ارائه می‌دهد. وی مرزهای آزادی را از هر دو سو تعیین می‌کند. آزادی فردی هر کس، حدود خود را در آزادی همه‌ی افراد دیگر می‌یابد. بنابراین آزادیهای مورد ادعای انسانها، متقابلاً یکدیگر را محدود می‌سازند. به این ترتیب، کانت در ژرف اندیشی خود، به مفهوم ویژه‌ی ای از حق می‌رسد و آن را جامعیت شرایطی تعریف می‌کند که تحت آن، اختیار این فرد با اختیار فرد دیگر، بتواند بر پایه‌ی یک قانون عمومی آزادی با هم تلفیق گردد. وی از این تعریف، قانون عمومی حق را استنتاج و آن را بصورت این گزاره فرمولبندی می‌کند: «چنان رفتار کن که کاربرد آزاد اختیار تو بتواند با آزادی هر کس دیگر، بر پایه‌ی یک قانون عمومی پا بر جا باشد».

نتیجه‌گیری فوق بسیار پر اهمیت است، چرا که معیار، قانون عمومی فرموله شده‌ی ای است که بالقوه می‌تواند به واسطه‌ی بصیرت انسانی، از طرف جمع مورد پذیرش قرار گیرد. اما این

آید. آزادی به مثابه حق بنیادین بشری در اندیشه ی کانت، دربرگیرنده ی نکات زیر است:

۱. هر انسانی مختار است نیکبختی خود را از راهی که مناسب تشخیص می دهد جستجو کند، مادامی که حق آزادی دیگران را که در جستجوی نیکبختی خویشند، خدشه دار نسازد. به عبارت دیگر، انسان اجازه ندارد آن قانون عمومی را که آزادی تک تک افراد تنها در چارچوب آن می تواند پابرجا باشد، نقض کند.

۲. برابری انسان ها یک اصل بنیادین است و امتیازات موروثی یا اجتماعی در توجیه نابرابری قانونی معنا ندارد. به این مفهوم، همه ی شهروندان مستقل از جایگاه اجتماعی خود، در مقابل قانون برابرند.

۳. هر شهروندی حق مشارکت در امور سیاسی و قانونگذاری را از طریق حق رأی خود داراست.

در جمع بست این ملاحظات می توان گفت که نظریه ی «قرارداد دولتی» که در ژرف اندیشی های توماس هابز مطرح شده بود، نزد کانت به پیش شرط اجتناب ناپذیر یک قانون اساسی حقوقی و شهروندی تبدیل می گردد. به این ترتیب، کانت نیز استوار بر زمین سنت روشنگری در مورد نظریه ی قرارداد ایستاده است. اما برای کانت بیش از رهروان فکری پیشین آشکار است که تصور یک قرارداد دولتی، هرگز به معنی یک واقعیت تاریخی نیست که زمانی در جایی رخ داده یا باید رخ دهد. برای کانت، «قرارداد دولتی» صرفاً یک «ایده ی خرد» است و کارکردی تنظیمی دارد. این ایده از یک طرف دارای این کارکرد است که قانونگذار را متعهد می سازد تا قوانین را چنان وضع کند که گویی از اراده ی متحد تمام مردم برخاسته است. و از طرف دیگر، دارای این کارکرد است که هر شهروندی را آنگونه بنگرد که گویی به اراده ی متحد تمام مردم رأی مثبت داده است.

بنابراین طبق نظر کانت، دولت باید همواره چنان رفتار کند که مردم بتوانند حقانیت و مشروعیت آن را مورد تأیید قرار دهند. مادامی که دولت چنین رفتار می کند، محملی حقوقی برای مقاومت قهرآمیز علیه آن نیز وجود ندارد. وظیفه ی اپوزیسیون و مقاومت، در چارچوب «آزادی قلم» محدود می ماند. به عبارت دیگر، هر شهروندی مجاز است نظریات انتقادی خود را در معرض داوری افکار عمومی قرار دهد. به این ترتیب می توان تشخیص داد

بقیه در صفحه ۹

قانون عمومی فرموله شده، نه یک قانون موضوعه، بلکه یک هنجار قانونی بنیادین با اعتبار همگانی و متعهد کننده ی جمع برای همه ی قوانین موضوعه محسوب می گردد. همین خصلت غیرموضوعه بودن این قانون به مثابه یک هنجار بنیادین است که پیش شرط لازم را برای تأسیس یک دولت برحق و مشروع فراهم می آورد. تمام هنجارهای دیگر و نیز قوانین موضوعه، می توانند بر شالوده ی این هنجار بنیادین استوار گردند و بدینسان هنجار بنیادین حقوق بشری، همواره اعتبار خود را حفظ می کند.

سایر اصل هایی را که کانت در کنار اصل آزادی به عنوان اصل های برتر نام می برد - مانند برابری و استقلال - قوانینی نیستند که دولت وضع کرده باشد، بلکه اصل هایی هستند که مطابق اصلهای ناب خرد ناشی از حق بشری، اصولاً تأسیس هر دولتی را ممکن می سازند. به عبارت دیگر، هیچ دولتی نمی تواند قوانین بنیادی یا هنجارهای حقوقی یاد شده را وضع و یا اعطا کند، بلکه بر عکس، هر دولتی اگر بخواهد دولت برحق و مشروع باشد، باید اساساً مطابق آنها ایجاد شده باشد، وگرنه دولتی مستبد یا جبار است. به این ترتیب، این کانت است که روشن می سازد که دولت چنانچه بخواهد دولت قانونی و مشروع باشد، اجازه ندارد اصل حقوق بشر را خدشه دار سازد، چرا که این اصل، شرط امکان وجود خود دولت است. می توان گفت که مسیر استدلال، از طرف کانت چرخش می یابد: این دولت نیست که باید آزادی و حقوق شهروندی را رعایت کند، بلکه بر عکس، آزادی و حفظ حقوق تک تک افراد و همه ی شهروندان است که تنها پایه ی حقانیت هرگونه دولت قانونی و مشروع را می سازد.

این استدلال کانت، پیامدهای گسترده ای برای اندیشه ی دوران جدید دارد: پاسداری از حقوق بشر و آزادی، به معیار و سنجیدار حقانیت هر دولتی که بخواهد دولت قانون باشد تبدیل می گردد. این تکانه ی فکری، ما را لااقل در قلمرو نظریه های فلسفی درباره ی حقوق بشر، تا دوره ی کنونی به پیش می راند. اندیشه ی بشری به یاری کانت، در حوزه ی فلسفه ی حقوق بشر، صاحب هنجاری حقوقی و نیز هنجاری بنیادین برای بنیانگذاری دولت می شود که همزمان معیاری برای حقانیت دولت محسوب می گردد. به این ترتیب، گزاره گویی نیست اگر ادعا کنیم که کانت مباحث نظری حقوق بشر را به سطحی ارتقاء می دهد که حتا امروزه نیز میزانی برای بسیاری از اندیشه پردازان فلسفه ی حقوق بشر به حساب می

و. ثابتیان گزارشی از شکنجه و آزار زندانیان در ایران

شکنجه سفید به جای شکنجه سنتی



بنا دارم، وجود هرگونه آزار و اذیت فیزیکی در وزارت اطلاعات را به طور کلی برچینم و بر همین اساس به قسمت فن آوری الکترونیک وزارتخانه گفتیم که درصد خرید دستگاههای دروغ سنج باشد. محسنی اژه ای وزیر اطلاعات به این ترتیب عملاً بر وجود آزار، اذیت و شکنجه در دستگاه های اطلاعاتی صحنه می گذارد.

محسنی اژه ای در حالی شکنجه در زندان ها را تایید می کند که به اعتقاد کارشناسان احتمال می رود دور تازه از رقابت های عناصر اطلاعاتی به منظور تصفیه حساب های گروهی و جناحی آغاز شود. محسنی اژه ای به نوشته سایت نزدیک به محافظه کاران البرز، می گوید قصد دارند با خرید دروغ سنج عملاً از آزار و اذیت زندانیان پرهیز کنند: "براساس همین ابلاغ، کار به سرعت در حال پیش روی است و احتمالاً در روزهای آتی، بهترین و آخرین مدل از دستگاههای دروغ سنج را وارد می کنیم." وی اضافه کرده است: من وقتی فیلم برخی بازجویی ها از جمله بازجویی از همسر سعید امامی را دیدم لرزیدم و تا روزها، حال درستی نداشتم."

وزیر اطلاعات بدون اشاره به دیگر مستندات که درباره شکنجه و آزار دگراندیشان در زندان های کشور افشا شده است با اشاره به فیلم شکنجه های فهمیه گورانی همسر معاون پیشین وزارت اطلاعات که توسط گروه دیگری از بازجویان سازمان قضائی نیروهای مسلح انجام شد و فیلم آن در سراسر جهان توزیع شد و همین به آزادی متهمان به شرکت در قتل های زنجیره ای انجامید استفاده دستگاه های اطلاعاتی از روش های اعتراف گیری فیزیکی را به طور ضمنی مورد تایید قرار داده است.

وزیر اطلاعات گفته: "من در حال حاضر بر اعتراف گیری به روش سفید کار می کنم." به نظرم می رسد وزیر تازه وارد به دستگاه اطلاعاتی به "مفهوم اعتراف گیری سفید" اشراف چندانی ندارد. اعتراف گیری سفید یا همان "شکنجه سفید" طی سالهای گذشته به شدت از سوی فعالان حقوق بشر، روزنامه نگاران و مجامع داخلی و خارجی محکوم شده است. در این نوع روش اعتراف گیری، با آزار و اذیت روانی، قراردادن زندانی در خلاء

کامل وی را مورد شدید ترین آزارها قرار می دهند که به گفته کارشناسان آزار آن گاه به مراتب بدتر از شکنجه های فیزیکی است. شیوه ای که در نهایت به فروپاشی روانی او منجر می شود، در حالی که نشانی از آزار بر بدن وی باقی نیست و اعمال شکنجه نیز در دادگاه قابل اثبات نیست.

سابقه وضعیت حقوق بشر در کشور و اشاره مقامات به آن پیش از انقلاب به دورانی بر می گردد که اشرف پهلوی که از سوی حکومت پادشاهی نمایندگی افتخاری ایران را در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل به عهده داشت در مصاحبه ای وقتی زیر فشار خبرنگار لوموند قرار گرفت ضمن تکذیب وجود شکنجه در زندان های ایران گفت امروز چنان روش های مدرنی برای اعتراف گیری از خرابکاران در دنیا پیدا شده که کسی به حرکات وحشیانه مانند آویزان کردن و داغ کردن و مانند این ها نیازی ندارد.

این جمله در سال های پنجاه پنج و شش توسط شاه سابق ایران هم در جواب خبرنگاران خارجی تکرار شد، اما در دوران انقلاب که زندانیان سیاسی از زندان ها به در آمدند و زبان ها باز شد صد ها شهادت درباره شکنجه به ویژه در زندان کمیته ضد خرابکاری [توحید بعدی] گزارش گردید.

دو سال بعد از انقلاب با آغاز دستگیری ها و سرکوب گروه های سیاسی در کشور که به اعدام های پر شمار سال های شصت منجر شد، بار دیگر گزارش هایی در سراسر جهان پخش گردید و بسیاری از جان به در برده ها کتاب هایی نوشتند و رکورد هایی در نهادهای حقوق بشری جهان ثبت گردید که هنوز پاسخ دقیقی به آن ها داده نشده و ایران را از جمله کشورهای ناقص حقوق بشر که انواع شکنجه ها در زندان های آن رایج است در دنیا ثبت کرده است.

تائید وجود شکنجه

از جمله مهم ترین افشاگری ها درباره وجود آزار و شکنجه در زندان های ایران آیت الله منتظری نایب وقت رهبری جمهوری اسلامی است که گرچه دوبار موفق به تغییر اسدالله لاجوردی دادستان و رییس کل زندان های وقت شد و گروهی از بازرسان خود را برای نظارت فرستاد و موفق به آزاد کردن عده ای از زندانیان شد، اما سرانجام با اصرار بر اعتراض درباره وجود شکنجه و اعدام مجبور به کناره گیری از سمت خود شد. در آخرین نامه ای که به همکاری آیت الله منتظری دارنده عنوان "فقیه عالی قدر"

ناگوار نشان بدهد. به همین جهت برای افکار عمومی تصویر سازی اینکه در این بازداشتگاه ها چه می گذرد چندان دشوار نبود. آیت الله شاهرودی تلویحا نیروی انتظامی را به عنوان ضابطان قوه قضائیه به شکنجه افراد و حرمت شکنی متهم کرد. البته سردار عبداللهی سرپرست وقت نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در نامه خود گفت: "موردی از این دست در نیروی انتظامی وجود نداشته و اگر شما موردی را ملاحظه کردید اعلام کنید تا برخورد قاطع صورت گیرد". مجموعه آنچه هاشمی شاهرودی به ان اشاره می کرد طی زمان حضور قالیباف در نیروهای انتظامی انجام شده بود.

گزارش علیزاده

آیت الله شاهرودی پس از آنکه تلاش کرد آیین نامه های حقوق شهروندی را در قوه قضائیه جاری کند، علیزاد رییس دادگستری تهران را مامور کرد تا گزارشی در خصوص موارد نقض حقوق شهروندی تهیه کند. گزارش علیزاده آنچنان تکان دهنده بود که واکنش های بسیاری را در سطح جهان برانگیخت. استفاده از چشم‌بند، ضرب و شتم متهمان، تعیین تکلیف نشدن متهمان، و طولانی شدن مدت تحقیقات، از موارد بارز نقض حقوق شهروندی بود که هیات تحت نظارت علیزاده طی چند ماه بازرسی خود از بازداشتگاه‌ها آن را گزارش کرد. زندانی شدن در بدترین بازداشتگاه‌ها برای یک جوان ۱۳ ساله به خاطر دزدیدن یک مرغ، نگهداری پیرزنی هفتادساله در زندان به خاطر ناتوانی مالی، دستگیری زنی به جای شوهر متهمش و بلا تکلیف بودن ۱۴۰۰ زندانی در رجائی شهر و بسیاری از موارد دیگر از بخش های مختلف این گزارش تکان دهنده بود. گزارش تهیه شده از سوی هیات نظارت و بازرسی حفظ حقوق شهروندی، گزارشی از بازرسی از بازداشتگاه های گوناگون از جمله بازداشتگاه آگاهی تهران، بازداشتگاه اماکن، بازداشتگاه حفاظت اطلاعات وزارت دفاع موسوم به ۶۴، بازداشتگاه حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی، زندان رجایی شهر، بازداشتگاه سازمان حفاظت اطلاعات ارتش، بازداشتگاه حفاظت اطلاعات سپاه، بازداشتگاه اطلاعات سپاه و غیره بود که در آنها وجود موارد بارز نقض حقوق شهروندی محرز اعلام شده بود. گزارش علیزاده مناقشات زیادی برانگیخت، تا آنجا که کریمی راد سخنگوی قوه قضائیه در مصاحبه ای آن را کذب محض خواند. به این وجود ظاهرا روغن ریخته شده بود و البته تنها واقعیت هایی که داما از سوی افکار عمومی مورد پرسش بود، علنی شد.

پایان داد وی خود از قدیمی ترین زندانیان دوران شاه بود که در چهارم آبان سال ۵۷ از زندان آزاد شد، تاکید کرده بود که زندان های جمهوری اسلامی به مراتب بدتر از زندان های شاه است. سخنی که بسیاری از کسانی که در هر دوره زندان بوده و جان به در برده اند آن را تأیید کردند.

در اولین سال بعد از روی کار آمدن محمد خاتمی با وقوع قتل های زنجیره ای فرصتی اتفاق افتاد تا بار دیگر از شکنجه ها و اتفاقاتی که در هشت سال وزارت فلاحیان در زندان های وزارت اطلاعات رخ داده است پرده هائی برداشته شود. کاری که عملا با تعطیل صدنشریه اصلاح طلب متوقف ماند و بار دیگر داستان شکنجه ها و رفتار با زندانیان در پرده رفت. گرچه دیگر هرگز از دستور نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر خارج نشد و مدام هم بر برگ های افزوده گردید.

در سال های اخیر تأیید وجود آزار و اذیت فیزیکی در زندان ها به طور رسمی پس از آنکه آیت الله شاهرودی اردیبهشت ماه گذشته از رفتار با زندانیان در بازداشتگاه های نیروی انتظامی خبر داد به صفحات روزنامه ها کشیده شد. به دنبال آن گفته شد که استفاده از شکنجه - آزار و اذیت فیزیکی - به منظور اعتراف گیری در مجموعه دستگاه های امنیتی نظام مورد استفاده گسترده داشته است. آیت الله شاهرودی با انتقاد بی سابقه از وضعیت دادرسی و بازداشتگاه های نیروهای انتظامی گفت: " برای استنطاق و بازجویی مجوزی می گیرند، می برند در بازداشتگاههای خصوصی بدون حضور دادیار و قاضی بازجویی انجام می دهند، بعد آن را به سازمان زندان ها ربط می دهند." وی سپس با انتقاد از کیفیت رفتار با زندانیان می گوید: " آیا تا به حال دیده اید چگونه افراد را سوار ماشین می کنند؟ در برخی مواقع مشاهده می شود کارهایی که در این زمینه انجام می شود، شبیه کارهایی است که آمریکاییها در زندان ابوغریب در برخورد با تروریستها انجام می دهند ..."

این سخنان چندی پس از دیدار متهمان یکی از جنجالی ترین پرونده های سال گذشته موسوم به پرونده سایت های اینترنتی و وب لاگ نویسان با آیت الله شاهرودی گفته شد. یکی از نزدیکان آقای شاهرودی، بعدها فاش کرد که اطلاع از این مسئله رئیس قوه قضائیه را به شدت خشمگین کرده بود. پیش از این تلویزیون دولتی ایران، با نشان دادن تصاویر متعددی از زندان ابوغریب و جنایات آمریکا تلاش کرده بود تصویر زنده ای از این اتفاقات

شکنجه سفید

اعتراف گیری سفید شامل اعمالی مانند تهدید فرد و خانواده و دوستان، استفاده از چشم بند، ارباب، اعتراف گیری بر علیه خود و دیگران، نگهداشتن به مدت طولانی در سلول انفرادی، روشن نگهداشتن چراغ به مدت هفته ها و به هم زدن ساعت های غذایی، استفاده از صدای اعضای خانواده به منظور مرعوب کردن، حمام گرفتن جلوی دوربین، سوء استفاده از ماجراهای زندگی شخصی، بازجویی های طولانی، ناسزا، توبه نامه نویسی، دعوت به همکاری اجباری، عدم دسترسی و برخورداری از وکیل و نظایر آن است.

گنجی و قاضیان

در کنار پرونده های دیگری که شامل موارد اشاره ریاست قوه قضاییه می شدند، پرونده مشهور به نظرسنجی هم مطرح شد. حسین قاضیان یکی از متهمان این پرونده، در اردیبهشت سال جاری در نامه به رئیس سابق جمهوری اسلامی به نحوه رسیدگی به اتهام خود اعتراض کرد و موارد نقض قانون اساسی را برشمرد. مواردی مانند تجسس، استراق سمع، بازداشت، تفتیش عقاید و شکنجه، هتک حرمت، انتشار اخبار محاکمه و اتهام پیش از صدور حکم، غیرمستند و غیرمستدل بودن احکام، توقیف مدارک و اموال شخصی و اداری، و محبوس بودن در بند ۳۲۵ زندان اوین. هیات پیگیری و نظارت بر قانون اساسی همان زمان تذکر داد وجود زندانی خارج از فهرست رسمی سازمان زندانها توجیه قانونی ندارد.



اکبر گنجی نویسنده و روشنفکری که نزدیک به شش سال است در زندان به سر می برد، در نوشته موسوم به مانیفست جمهوریخواهی دفتر دوم در همین ارتباط می نویسد "در زندان اوین بازداشتگاه های اختصاصی مدرنی تدارک دیده شده است. بند دو (الف) بازداشتگاه حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. طبقه اول بند ۲۴۰ بازداشتگاه حفاظت اطلاعات قوه قضائیه و بخش دیگری از بند ۲۴۰ که بعدا در اختیار حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی قرار می گیرد." وی در باره آنچه در این بازداشتگاه ها می گذرد می نویسد: "در سلول های انفرادی این بازداشتگاه ها از انواع و اقسام شکنجه های جسمی و روحی برای توبه نامه نویسی استفاده می شوند. پرونده وبلاگ نویسان، پرونده زهرا کاظمی و پرونده نظرسنجی چند نمونه از به کار گیری این روشها هستند."

پیش از آن هیات تحقیق و تفحص رئیس جمهوری که متشکل از چهره های اصلاح طلب بود در گزارش خود اعلام کرده بود که خانم کاظمی بر اثر برخورد جسمی سخت، دچار شکستگی جمجمه و خونریزی مغزی شده و علاوه بر این نشانه های شکنجه بر بدنش وجود داشته است. پیر پتی گرو، وزیر امور خارجه کانادا بارها در مجامع بین المللی تاکید کرد زهرا کاظمی در زندان اوین کشته شده است. پرونده ای که هنوز حقایق آن مکشوف نشده است.

به این ترتیب با سخنان وزیر اطلاعات مبنی بر برچیدن دستگاه آزار وادیت فیزیکی، انتظار می رود گزارشی از کسانی که به این وسیله مجبور به اعتراف شده اند و تحت شرایطی دشوار، زندگی شان به خطر افتاده است نیز منتشر و معلوم شود هزینه های چنین رفتارهایی، عملا توسط چه کسانی پرداخت شده است. شاید در آن صورت، افرادی که به این اعمال غیرقانونی دست زدند، نیز به قانون سپرده شوند، هرچند در هیچ یک از پرونده های یاد شده و پس از صحبت های تکان دهنده آقای شاهرودی و علیزاده، گزارشی در خصوص برخورد با عواملی که چنین شرایطی را به وجود آورده اند وجود ندارد، یا حداقل منتشر نشده است.

با وجودی که بیان این مسائل توسط وزیر جدید اطلاعات مثبت تلقی می شود، اما کم نیستند فعالان سیاسی و اجتماعی که چنین موضع گیری هایی را بیش از آنکه ناشی از تغییر رویکرد مسئولان قضایی و اطلاعاتی بدانند، آن را به بازی های سیاسی ربط می دهند. اما به هر حال و به هر دلیل، حتی تایید چنین رفتارهایی در زندان ها و توسط سربازان گمنام، خود گامی به پیش به شمار می رود و امیدواری هایی را موجب می شود. آن چه می تواند به بدگمانی ها دامن بزند، گوینده این سخن، یعنی محسنی اژه ای که هم شکنجه و آزاران شهرداران تهران - که توسط حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی به فرماندهی سردار نقدی صورت گرفته بود - و هم آزار روزنامه نگاران و وب لاگ نویسان همه در واحدهای تابع وی صورت گرفته است. با این همه ناظران سیاسی معتقدند که با توجه به وضعیت بین المللی ایران و یکدستی حکومت بعید نیست که حکومت و دولت تازه در صدد باشند رکورد نقص حقوق بشر در کشور را بهبود بخشند.

هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد ماده ۱۹

اعلامیه جهانی حقوق بشر

بقیه از صفحه ۱

۱۰- حمله به اتحادیه کارگران: این گزارش می افزاید: حمله به اتحادیه کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی که منجر به زخمی شدن چند نفر گردید، نشان از محدودیت فعالیت های تشکل های قانونی کارگری دارد، این امر مغایر با تعهدات بین المللی ایران ناشی از عضویت در سازمان بین المللی کار است. کانون مدافعان حقوق بشر در پایان این گزارش خود آورده است: اعمال محدودیت آزادی بیان از طریق توقیف نشریت مستقل و عدم صدور مجوز برای درخواست های جدید همچنان ادامه دارد، از جمله میتوان به عدم پاسخ به درخواست های مکرر دبیرکل جبهه مشارکت برای انتشار روزنامه و دهها تقاضای دیگر که بی جواب مانده اشاره کرد.

دفاع از متهم همسان اتهام نیست

رئیس کانون مدافعان حقوق بشر با اشاره به اتهام منتسب به عبدالفتاح سلطانی گفت: متأسفانه بخشی از قوه قضائیه دفاع از متهم را همسان اتهام می داند، مگر وقتی یک وکیل از قاتلی دفاع می کند شریک در قتل محسوب می شود. «شیرین عبادی» شبه شب در مراسم جشن مهرگان که در موسسه حقوق راد برگزار شد، گفت: متأسفانه زمانی که سلطانی بازداشت شد، عنوان اتهامی اش جاسوسی بازگو شد، اما این ادعا با اظهارات بازپرس پرونده وی که منکر اتهام جاسوسی سلطانی بود، مغایرت دارد. وی تأکید کرد که تا جرمی اثبات نشود، نمی توان اتهام را افشا کرد. عبادی با اشاره به ناصر زرافشان گفت: این وکیل دادگستری با تنی بیمار، سه سال است که به خاطر دفاع از خانواده یک مقتول قتل های زنجیره ای (پوینده) در زندان به سر می برد، آیا با چنین وضعی رغبتی برای وکالت پرونده های سیاسی باقی می ماند؟

پیشنهاد کانون مدافعان حقوق بشر ایران

شیرین عبادی و البرادعی وارد مذاکرات اتمی شوند

«محمد علی دادخواه» از بنیانگذاران کانون دفاع از حقوق بشر در ایران، ضمن گفتگوی کوتاهی با خبرنگار تبریز نیوز پیشنهاد کرد شیرین عبادی وارد مذاکرات اتمی ایران شود.

بقیه در صفحه ۹



جان خویش مجاز به حمل اسلحه بوده و به آنان اجازه شلیک نیز داده شده است. کانون مدافعان حقوق بشر ضمن محکومیت ترور قضات نامبرده هر نوع عمل خشنی را محکوم کرده و معتقد است که در این شرایط حساس، کشور ما به امنیت و آرامش نیازمند است اما برقراری آرامش از وظایف دستگاههای امنیتی و انتظامی است، دوران عکس العمل های فردی سپری شده است بنابراین توجه مقامات مسوول قوه قضائیه را به لزوم خلع سلاح قضات جلب می نماید.

۷- انرژی هسته ای: کانون مدافعان حقوق بشر در ادامه گزارش آورده است: در زمینه انرژی هسته ای، کانون مدافعان حقوق بشر بر این اعتقاد است که حکومت ایران برای جلب اعتماد بین المللی باید با آژانس بین المللی انرژی اتمی همکاری کند و از این طریق حقوق حقه ملت ایران را استیفا کرده و اجازه ندهد که کشورهای بیگانه به بهانه های عدم همکاری با آژانس بین المللی منافع ملی و امنیت کشور را به خطر اندازند.

۸- قانون تشکیل هیات منصفه: در ادامه این گزارش آمده است: از رخدادهای اخیر مهم قضایی می توان از قانون تشکیل هیات منصفه جدید یاد کرد که متأسفانه ترکیب اعضای منتخب هیات منصفه مزبور مخالفت صریح روح این نهاد حافظ حقوق مردم و مغایر با قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر می باشد، هیات منصفه بازتاب وجدان عمومی جامعه بوده است، بنابراین عوامل حکومتی را نباید در هیات منصفه جای داد. ترکیب انتخاب کنندگان هیات منصفه مزبور نیز همه از مامورین حکومتی بوده این امر به شدت ارکان مردمی بودن هیات منصفه را مخدوش می سازد.

۹- محاکمات متهمان سیاسی: این گزارش می افزاید: محاکمات متهمان سیاسی کماکان بدون حضور هیات منصفه در پشت درهای بسته برگزار می گردد که این امر خود ناقض صریح اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، در این ارتباط به محاکمه آقایان علی افشاری، مجتبی سمیع نژاد، افشین زارع، امید شیخوان و... می توان اشاره کرد. در ادامه این گزارش آمده است: روند بلا تکلیف گذاشتن متهمان سیاسی از طریق بازداشت و صدور قرار تأمین و عدم برگزاری محاکمه یا برگزاری محاکمه و تأخیر چند ساله در صدور حکم بدوی و تأخیر در رسیدگی تجدیدنظر مدت مدیدی است که تبدیل به امری عادی شده است.

مریم خراسانی



ستم زنانه حتی وقتی زنان کارگرند

سوء استفاده از نیروی کار زنان در بازار سایه‌ای و زیر زمینی از اشکال جدید استثمار زنان است. به نظر می‌رسد در اوضاع اقتصادی و سیاسی کنونی ایران و جهان و با توجه به انباشت اندیشه‌ها و تجارب سلبی و ایجابی در برابر سرمایه داری جهانی، بیش از هر زمان دیگری موقعیت‌های مناسبی به دست آمده تا کارگران انواع دیگری از کار و تولید آزاد را در خارج از چهارچوب قوانین سرمایه‌داری به وجود آورند. تجربه جنبش تعاونی‌های آزاد و تولید مشارکتی در جهان و تجربه کارگران ایران در سال‌های ۵۸ و ۵۹، نشان می‌دهد که کارگران هم امکان کنترل و اداره تولید را در واحدهای تولیدی بحران زده و ورشکسته دولتی و خصوصی دارند و هم خلق راه و کارهایی برای تولید بدیل، خرید یا مصادره کارخانه‌ها و بنگاه‌های ورشکسته و اداره تمام مراحل تولید مواد اولیه تا تولید اصلی و فروش محصولات به کمک آگاهی‌ها و تجارب نوین محلی، منطقه‌ای و جهانی در شبکه‌های ارتباطی و تولیدی متفاوت دارا هستند. آنها در جهت ساختن روندهای نوین اقتصاد و زندگی بدیل که گام به گام طراحی می‌شود، نقش می‌پذیرند و دگرگون می‌شوند و از این طریق، شعار جنبش مخالفان جهانی سازی در جهت ممکن ساختن جهانی دیگر متحقق می‌شود. در این میان موقعیت زنان کارگر که در انواع کار تولیدی، خدماتی، رایانه‌ای، مراقبتی و غیره نقش دارند، در جنبش‌های احیای زندگی و تولید و کار جایگزین و روز به روز اهمیت بیشتری می‌یابد. زنان کارگر در ایران گرفتار عرصه‌های مختلفی هستند که شامل اجتماع بزرگ، جامعه کارگری و خانه و خانواده می‌شود، عرصه‌هایی که در آن سرمایه‌داری و مردم سالاری مدرن دو روی سکه‌اند.

جهانی سازی سرمایه‌داری و پدیده زنانه شدن فقر، به اشکال برده‌داری مدرن و استثمار و استثمار زنان و کودکان انجامیده است و اینها همه علاوه بر مسائل اخلاقی برای زنان در محیط‌های کار و آزارهای جنسی و سوء استفاده‌های جنسی از آنان است. سرمایه داری همواره زنان را به عنوان نیروی اصلی ارتش ذخیره کار هم محسوب کرده است. در دوران رونق، اولویت برای استخدام مردان، زنان را از بازار کار اصلی اخراج می‌کند و در دوران رکود

کارهای موقت و پاره وقت در کارگاه‌های زیر زمینی و غیر قانونی برای زنان و کودکان آنها، نا امنی شغلی و کار در مشاغل سیاه و سخت، محیط غیر انسانی را به وجود آورده است. سوء استفاده از نیروی کار زنان در بازار سایه‌ای و زیر زمینی از اشکال جدید استثمار زنان است.

سلسله مراتب جنسی درون جامعه کارگری و اقتدار مردان کارگر در محیط‌های کار و تشکلهای کارگری سبب می‌شود مشاغل اصلی و تخصصی و مستند در بالای هرم شغلی خاص مردان و حضور زنان در پایین این سلسله، مراتب کارهای غیر تخصصی و کم در آمدتر را به زنان تحمیل کند. در شوراها و سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری نیز موقعیت‌های کلیدی در دست مردان است و زنان نقش موثری ندارند، بطوریکه در میان زنان کارگر ایران و جهان بحث ایجاد تشکلهای خاص زنان کارگر در محیط‌های کار مطرح شده است که سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های آنان به نفع زنان و توسط خود آنان انجام شود.

تعریف سرمایه داری از نیروی کار که صرفا اقتصاد کالایی و مبادله‌ای را مد نظر دارد، سبب می‌شود نیروی کار زنان در اقتصاد معیشتی (کشاورزی سنتی) و کار خانه داری زنان جزو کار محسوب نشوند و جامعه برای آن ارزشی در نظر نگیرد.

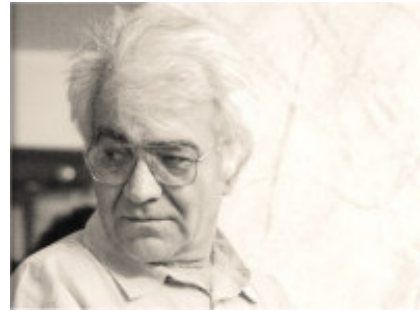
خانواده هسته‌ای و تشدید استثمار زنان در این نوع خانواده مدرن و موقعیت زنان کارگر مشابه زنان دیگر و گاه بدتر از زنان طبقات بالاتر، شیفت دوم کار زنان کارگر در خانه‌ها که سبب فرسایش جسمی و روحی زودتر از موعد آنها می‌شود، خشونت بیشتر علیه زنان کارگر در خانواده‌های کارگری به شکل فیزیکی و غیر فیزیکی و تحقیر روانی، مساله اصلاح در خانواده‌های کارگری و بدیل‌های دیگر را برای زندگی شخص زنان کارگر مطرح کرده است. در خصوص کار زنان بد نیست به تجربه شیوه‌های آزاد کار و تولید و زندگی شخصی متأثر از اندیشه‌های "سن سیمون" و "فوریه" در قرن ۱۹ میلادی و ادامه آن تا کنون، توجه داشته باشیم. عدم وجود ساختار مالکیت و کار رقابتی و عدم وجود ساختار هرمی شکل خانواده و انواع جدیدی از نگهداری بچه‌ها را در این تجربه‌ها می‌توان یافت.

محیط دفاع از حقوق بشر در ایران

Society of Human Rights in Iran
WWW.POLPIRAN.COM

بررسی انتخابات نهم ریاست جمهوری اسلامی

گفتگوی روزنامه ی آلمانی «یونگه ولت» با ناصر زرافشان



اشاره: روزنامه ی آلمانی یونگه ولت، اخیرا مصاحبه ای با دکتر ناصر زرافشان وکیل زندانی قتل های زنجیره ای صورت داده است که متن فارسی آن را در زیر می خوانید:

سه سال پیش شما زندانی شدید، دو هفته پیش به علت بیماری شما را رها کردند. چه زمانی و چرا شما باید دوباره به زندان برگردید؟

در واقع من دو هفته پیش آزاد نشده یا به مرخصی نیامده ام، بلکه برای ادامه معالجاتم به مدت دو هفته در اختیار بیمارستان قرار گرفته ام. سه هفته پیش و به دنبال اعتصاب غذا، تحت عمل سنگ شکنی کلیه قرار گرفتم. دوازده روز پس از آن به توصیه متخصصانی که عمل سنگ شکنی را انجام داده بودند، مرا برای ویزیت مجددا تحت الحفظ به بیمارستان بردند. سونوگرافی نشان داد که از سنگ قبلی هنوز یک قطعه ۶ میلیمتری در کلیه چپ باقی مانده و در کلیه راست نیز دو قطعه سنگ وجود دارد. بیمارستان به مراجع قضائی اعلام کرد که باید برای ادامه معالجات و سنگ شکنی مجدد، به مدت یک هفته در اختیار بیمارستان باشم که این مدت ده روز دیگر هم برای ادامه کار تمدید شد و در حال حاضر پس از سه روز سنگ شکنی به زندان برگشتم.

وضع سلامتی شما در حال حاضر چگونه است و مشکلات جسمی

تان چیست؟ معنای برگشتن به زندان چیست؟

از سومین عمل سنگ شکنی چند روز گذشته است، مسئولین با اعتصاب غذای من و فشار از بیرون، تن به انجام معاینات دادند و هنوز حاضر نیستند حتی تا پایان قطعی معالجه و پیگیری های مربوط به آن هم به ماندن من در بیمارستان تن دهند. در ایران و سراسر جهان تعرضی برای آزادی بی قید و شرط شما جریان دارد. با انتخاب رئیس جمهور جدید، محمود احمدی نژاد، امکان آزادی

شما تا چه حد وجود دارد؟ تصور نمی کنم موضوع آزاد شدن یا نشدن من و سایر زندانیان سیاسی مستقل، چندان ارتباطی به این داشته باشد که چه کسی به عنوان رئیس جمهور انتخاب شده است. جایگزینی محمود احمدی نژاد به جای محمد خاتمی به عنوان رئیس جمهور، در ایران همان معنا و همان تاثیرات گسترده ای را ندارد که انتخاب یک رئیس جمهور جدید در یک کشور اروپائی دارد. در اینجا دستگاه واقعی قدرت، برتر از رئیس جمهور است و مستقل از آن عمل می کند. رئیس جمهور جزء کوچک و فاقد قدرتی از این مجموعه و یک مهره رسمی و نمایشی است و با انتخاب رئیس جمهور جدید در دستگاه واقعی قدرت تغییری رخ نداده است. همانی است که قبلا بوده. تنها اتفاقی که افتاده این است که یک مهره آن یعنی رئیس جمهور قبلی که هیچگاه صاحب قدرت واقعی نبود و عملکرد او و هوادانش آن بود که بستری را درون ساختار قدرت به وجود آورند تا نارضائی ها و اعتراضات مردم به سوی آن بستر (خودی) هدایت شود و شکل جنبش های مستقلی را به خود نگیرد که نظام از آن غافل بماند، اکنون به اقتضای شرایط از مجموعه کنار گذاشته شده، و فردی با مشخصات دیگری جای او را گرفته است. اما این نظامی نیست که در آن رئیس جمهور بتواند خود تصمیمی بگیرد یا چیزی را تغییر دهد. اما در مورد من و تعدادی از زندانیان سیاسی دیگر، از پیش، زیر تاثیر فشارهای داخلی و خارجی، در دستگاه بحث ها و کشمکش هائی مطرح بوده است که تاکنون به نتیجه ای نرسیده و در مورد نتیجه آن ها نمی توان اظهار نظر کرد. اما من در حال حاضر بر روی آزادی خود به خاطر انتخابات ریاست جمهوری و نتایج آن حساب نمی کنم.

چرا درخواست آزادی مشروط نمی کنید؟

آزادی مشروط، دنباله طبیعی تمکین به حکم صادره و امکانی است که قانون به محکومی می دهد که نیمی از مدت زندان خود را گذرانده باشد و تلویحا به معنای این است که کسی از آزادی مشروط برخوردار می شود، متعهد می گردد که از تکرار آن چه کرده و به خاطر آن زندانی شده، خودداری کند. من از حقوق موکلین خود دفاع و بر اجرای قانون و عدالت پافشاری کرده ام. آیا می توانم تعهد دهم که دیگر این کار را نخواهم کرد؟ اگر چنین موضعی داشتم می توانستم از همان ابتدا به زندان نیایم. تحمل و مقاومت من، نماد تحمل و مقاومت مردم ما است و من حق

زاهدان برای بلوچ ها، و سایر مناطق همواره تعداد قابل توجهی از فعالان اجتماعی و فرهنگی که در راه تامین حقوق ملی آن گروه های قومی، فرهنگی یا مذهبی فعالیت می کنند، وجود دارند که جسته و گریخته ممکن است نامی از برخی از آن ها به صورت یک خبر کوچک گاهی در روزنامه ای درج شود. علاوه بر این ها وزارت اطلاعات و مجموعه ی دیگری متشکل از اطلاعات سپاه و حراست قوه قضائیه که به صورت یک دستگاه اطلاعاتی موازی با وزارت اطلاعات کار می کنند، همچنین اطلاعات ناجا (نیروی انتظامی) و دستگاه های دیگر هم هر یک برای خود بازداشت گاه و زندان های دیگری دارند که به صورت خودمختار و مستقل از سازمان زندان ها عمل می کنند. مثلا در خود اوین، بخش ۲۰۹ زندان وزارت اطلاعات است و ۳۲۵ زندان سپاه و حراست قوه قضائیه که مستقل عمل می کنند. در سایر نقاط نیز چنین زندان ها و بازداشت گاه هایی وجود دارد. موضوع دیگری که به دست آوردن رقم دقیق زندانیان سیاسی را با مشکل روبرو می کند، این است که همواره تعدادی از زندانیان بعد از مدت ها در بازداشت گاه ها بلا تکلیف نگهداری می شوند، آزاد می شوند و تعداد دیگری هم هر روزه به مناسبت های مختلف بازداشت می شوند. از این رو با توضیحاتی که داده شد، به دست آوردن آمار دقیق زندانیان سیاسی و مطبوعاتی به دقت مقدور نیست و تنها در بند ۳۵۰ زندان اوین و زندان رجایی شهر، هر یک حدود ۵۰ نفر از زندانیان سیاسی نگهداری می شوند.

انتظار دارید جامعه به چه سمتی برود؟ آیا در دوره احمدی نژاد زندانیان سیاسی بیشتر و سرکوب فعالان سیاسی شدیدتر و فضای جامعه بسته تر خواهد شد؟

مجموعه سرکوبگر است و اکنون یک دست و بدون ماسک اصلاح طلبی به میدان آمده است. اما وضع منطقه و شرایط خارج ایران هم پیچیده است و هنوز نمی توان در مورد نوع خط مشی و سیاستی که رژیم تصمیم گرفته است در دوره جدید دنبال کند، بطور قطعی اظهار نظر کرد.

آیا می توانید توضیح دهید که چرا این همه از ایرانیان به احمدی نژاد رای دادند که در رسانه های غربی از او به عنوان «تندرو»، «بنیادگرا»، یا حتی «قاتل» نام می برند؟ در انتخابات مسلما تقلب و سوءاستفاده از بسیج و سپاه هم وجود داشته است، مثل همه

ندارم آن را در هم بشکنم. پرونده قتل های سیاسی ایران که به قتل های زنجیره ای موسوم شد، یک پرونده ملی است، یعنی وارث و متولی آن، مردم ایران اند. من فقط وکیل آن ها هستم، نه صاحب حق. و بنابر این نمی توانم بر سر این حقوق به میل خود مصالحه و معامله کنم. در این ماجرا اگر تنبه و تعهدی هم در کار باشد، این آمران و عاملان قتل های سیاسی هستند که باید متنبه بشوند و در پیشگاه مردم متعهد گردند که این جنایات را دیگر تکرار نکنند. این که مردم چنین پوزش خواهی و تعهدی را بپذیرند یا نپذیرند، مساله دیگری است.

چند زندانی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران وجود دارد؟ (به طور تقریبی)

رژیم جمهوری اسلامی هیچ فعالیتی را فعالیت سیاسی و هیچ زندانی را زندانی سیاسی نمی داند و کسانی را هم که به خاطر عقائدشان و به اتهام اقدام علیه امنیت داخلی و خارج کشور، تبلیغ علیه نظام، تشویق اذهان عمومی، توهین به مسئولین نظام، نشر اکاذیب و مانند این ها به زندان می اندازد، همه را زندانی عادی تلقی می کند و آن ها را در میان زندانیان عادی نگهداری می کند تا گم و ناپیدا باشند و نتوان از آن ها آمار درست و دقیقی تهیه کرد و ضمنا در محیط زندان های عادی که محیطی است غیرقابل پیش بینی و روابط حاکم در آن معمولا خارج از اصول اخلاقی و انسانی است و عوامل پلیس در میان خود زندانیان فراوانند، فشار و آزار بیشتری به زندانیان سیاسی وارد شود. فقط در اوین، و تا حدودی رجایی شهر کرج است که برخی از زندانیان سیاسی در محل هایی جدا از زندانیان عادی نگاه داری می شوند. گرچه در اوین هم تمامی زندانیان سیاسی با هم یک جا نیستند. اما در ادامه سنت و روش گذشته و به خاطر مراقبت بیشتر، برخی از بندها و قسمت ها هنوز عملا مخصوص زندانیان سیاسی - یا به قول پلیس مخصوص زندانیان ضد امنیتی - است. حال آن که در همه مراکز استان ها و شهرهای بزرگ - مخصوصا شهرهایی که دانشکده و دانشگاه و مراکز آموزش عالی دارند - بخشی از زندانی ها را دانشجویان، خبرنگاران و روزنامه نگاران محلی، فعالان اجتماعی محلی، وبلاگ نویس ها و امثال آن ها تشکیل می دهند که از آن کمتر بحثی به میان می آید. به علاوه در زندان های مراکز استان هایی که محل زندگی و اسکان خلق ها یا گروه های قومی است مانند زندان های مهاباد و سنندج در مورد کردها، زندان اهواز برای عرب ها، زندان

(دو خردادی ها) و شرکای آنان در تامین خواسته ها و جلب نظر مردم، و نشانه بی اعتنایی مردم به مواضع و مواعظ آنان و شرکایشان بود که در آخرین لحظه به یاری هاشمی رفسنجانی آمدند. به این ترتیب، کسانی که هنوز به تغییر جمهوری اسلامی به طور جدی فکر نکرده اند، در چارچوب موجود هم به سیاست های دوران هاشمی رفسنجانی و خاتمی رای منفی دادند. خصوصی سازی همراه با فساد مالی گسترده، حذف یارانه های دولتی مربوط به مصارف عمومی توده های پائین جامعه و تعقیب سیاست بازار آزاد، خصوصی کردن آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، و سایر خدمات عمومی و گرانی هر روز بیشتر این خدمات و در نتیجه تشدید محرومیت قشرهای هر روز وسیع تری در این زمینه ها، تحریک تومی صادرات بدون هیچ نتیجه، کاهش مصرف کالاهای اساسی، افزایش بیکاری، گرانی سرسام آور و فقر و فحشا و اعتیاد... دستاوردهای چند دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی و خاتمی بوده است. مردم به خصوص پس از دوم خرداد ۷۶ به خاتمی امیدهایی بسته بودند که پس از مدتی با خراب تر شدن شرایط اقتصادی و اجتماعی آن ها، ابتدا این امیدها به یاس تبدیل شد و بعد طی دوره دوم ریاست جمهوری او همه به روشنی دریافتند که دچار توهم بوده اند و آن ها را فریب داده اند. بیرون آمدن از هر توهمی با تلخی و درد همراه است. نتیجه درک این واقعیت از سوی مردم که فریب خورده اند، رویگردان شدن آن ها از «دو خردادی» ها بود، و رنجی که مردم برای بیرون آمدن از توهم اصلاحات تحمل کردند، تمایل به تلافی را در آنان برانگیخت. در چنین شرایطی رفسنجانی به میدان آمد. او علاوه بر این که میراث دو دوره ریاست جمهوری خود را یدک می کشید، وارث میراث خاتمی هم شد. زیرا در دور دوم انتخابات هواداران خاتمی هم از او حمایت می کردند و در توده مردم نیز این تمایل وجود داشت که بر هر شکل ممکن در برابر آن غارت ها و بخوربخورها و نیز در برابر فریب هشت ساله دوران خاتمی واکنش نشان دهند. هیچ گزینه اجتماعی جدی و معقول دیگری هم از ناحیه مدعیان دروغین و توخالی که در بیرون از ساختار قدرت همان «پاوه» های دو خردادی ها، همان افاضات نئولیبرالی را در شکل خیلی خام و دست و پا شکسته ی آن نشخوار می کردند، به جامعه ارائه نشد. آنان بی خبر از این تغییرات عمیق اقتصادی و اجتماعی، بدون هیچ گونه فعالیت واقعی اجتماعی در

انتخابات ها در این گونه کشورها. اما دامنه این تقلبات در حدی نیست که نتیجه این انتخابات را تغییر دهد و عامل تعیین کننده چیزی غیر از آن ها بوده است. نقش سپاه و بسیج به عنوان سازمان های سراسری که شاخه های آن ها را در سراسر کشور و در میان توده مردم گسترده اند، بیش از این که تقلب در انتخابات بوده باشد، تشویق توده عادی مردم به رای دادن به احمدی نژاد بوده است زیرا اعضای آن ها مثل شاخه های یک درخت در سراسر کشور و در جوار مردم حضور دارند و می توانند چنین کاری را در میان توده ساده دل و سهل الوصول مردم انجام دهند. یک چنین شبکه سراسری چیزی است که حضرات لیبرال ها، از هر رنگ و با هر تابلو، فاقد آن هستند، زیرا بنا به نوع نگاه خود، قدرت سیاسی را همیشه در بالا و در زد و بندهای جاری در بالاترین سطح قدرت و نیز نگاه توقع آلود به خارج جستجو می کنند. آنان بنا به نوع نگرش خود اهل کار جدی در میان توده مردم نیستند و آنقدر افسون موهومات و شیوه های لیبرالی در زمینه قدرت سیاسی و تحول اجتماعی هستند که حتی یک چنین «شوک» های قدرتمندی هم نمی تواند آن ها از خواب بیرون آورد.

انتخابات اخیر هم مثل بیشتر حرکات سیاسی اخیر جامعه ایران، دارای یک جنبه سلبی نیرومند بود. یعنی در جریان آن مردم بیشتر تحت تاثیر این انگیزه بودند که بگویند چه را و که را نمی خواهند، و حاوی نوعی عکس العمل در بخش وسیعی از مردم در برابر سیاست های نولیبرال و نمایندگان وطنی آن ها بود، و این چندین بار است که جامعه در برابر این جماعت و این سیاست ها واکنش منفی نشان می دهد. (انتخابات شوراهای شهر و روستا، انتخابات مجلس هفتم و...) اما این واکنش سلبی جامعه، یک واکنش کور بود و مثل گذشته در قالبی و زیر پرچمی بیان شد که نه تنها مشکلات موجود را حل نمی کند، بلکه بر شدت این بحران هم می افزاید. علت هم آن بود که طی سال های گذشته به مردم الگوی مناسبی ارائه نشده بود تا واکنش خود را در آن مجرا به جریان اندازند. تنها گزینه دیگری که به شکل ناقص و ناپخته آن در برابر وضع موجود مطرح شده بود، سیاست های نولیبرالی بود و این انتخاب به یک معنا، «نه» گفتن به آن سیاست ها بود که در ایران ثمره ای جز فساد مالی، گسترش اختلافات طبقاتی، تشدید محرومیت طبقات پائین جامعه و متلاشی کردن نهادهای اجتماعی به بار نیاورده است. این سیر قهقرائی نتیجه مستقیم شکست الگوی

استقبال کرده بودند. اما این بار از «اصلاح طلبان» روی برگرداندند. پس طی این هشت سال چرخش و تغییر جهتی در آراء آنان پدید آمده است. اما چون این چرخش و تغییر جهت هر چه هست طی هشت ساله گذشته تحقق یافته، پس باید نتیجه و اثر عوامل و تجاربی باشد که در این هشت ساله وجود و عینیت داشته اند، نه حاصل و نتیجه عواملی که هنوز وجود و عینیت نداشته اند. به عبارت دیگر نتیجه زندگی و تجارب آنان طی این هشت ساله گذشته است. نه نتیجه جاذبه آینده ای که در زمان رای دادن هیچ گونه شناخت عملی و تجربی از آن نداشته و هنوز هم ندارند. مردم عادی از روی شرایط عینی و مادی زندگی شان تصمیم می گیرند. نه مانند تحصیل کرده ها و روشنفکران از روی ذهنیات شان، از این رو، این ۱۷ میلیون رای را بیشتر باید به حساب مخالفت با کارنامه رفسنجانی و خاتمی گذارد تا حمایت از احمدی نژاد. اکثریت مردم عادی نه تنها درباره آن چه احمدی نژاد در آینده قرار است انجام دهد، هیچ گونه تصور روشنی نداشتند و ندارند، حتی خود او هم تا یک ماه پیش از آن که به او رای دهند، نمی شناختند. این موضوع را نظرسنجی های پیش از انتخابات به خوبی نشان می داد. این برخورد سلبی متاسفانه طی چند دهه اخیر به شکل غالب حرکات سیاسی توده مردم تبدیل شده است. جامعه ای که مانع پا گرفتن تشکل های سیاسی جدی و مردمی در آن شده اند، راه تاریخی خود را با این واکنش های کور می پیمایند. با این وصف، همین جامعه بر توهم کنونی نیز غلبه خواهد کرد. مردم طی سه ده گذشته به همین شیوه سلبی - که متاسفانه با صرف زمان و هزینه سنگین همراه است - بر توهمات بسیاری فائق شده اند که آخرین آن ها تا این زمان توهم «اصلاحات از درون» بوده است. اما همه آن چه که گفته شد به یک روی سکه و به بخشی از جامعه مربوط می شود که در چارچوب رژیم موجود حرکت و رفتار کرده و هنوز به طور جدی به تغییر جمهوری اسلامی فکر نکرده اند. روی دیگر سکه را بخش وسیع دیگری تشکیل می دهند که آگاهانه واکنش نشان داده و با وقوف به این که در ساختار موجود از هیچ کس که به عنوان رئیس جمهور انتخاب شود، کاری ساخته نیست. انتخابات را تحریم و از ورود به این بازی بی حاصل خودداری کرد. رفتار و واکنش این بخش جامعه از حساسیت و اهمیت بیشتری برخوردار است. زیرا این بخش حامل نطفه تغییر است. این که چنین بخش وسیع از دارندگان حق

میان مردم، دون کیشوت وار خود را با مصاحبه های تکراری با این یا آن رادیوی برون مرزی، هفته ای یکی دویار، دلخوش نگاه داشته بودند. در چنین شرایطی رقیب، زیر عنوان عدالت اجتماعی و با استفاده از تشکیلات و امکانات دولتی فراوانی که در اختیار داشت به میدان آمد و بر موج سوار شد.

وقتی حکومت های خودکامه راست، مردم را در قالب های شبه فاشیستی بسیج می کنند، فقط کار توده ای در میان مردم می تواند با آن مقابله کند و شیوه های آبکی و نمایشی اما توخالی لیبرال ها توانائی مقابله با آن را ندارد. چهره سازی های کاذب با جنجال های توخالی و بدون پایگاه اجتماعی که فقط به وسیله رسانه های جمعی، با چند روزنامه یا چند تریبون دانشگاهی یا رادیو تلویزیون های برون مرزی صورت می گیرد، تراشیدن «گروه های مرجع» توخالی بدون کار واقعی در میان توده مردم و سایر شیوه های لیبرالی قادر به مقابله به چنین شرایطی نیست. لیبرال ها به حکم سرشت ایدئولوژی خود نمی توانند از این روش ها فراتر روند. اما این انتخابات و شوک آن برای آن دسته از نیروهای چپ و دموکراتیک که طی سال های گذشته جذب یا تسلیم موهومات لیبرالی شده اند، حاوی درس های بزرگی است. بسیاری کارها است که در جامعه تا انجام نشوند، «انجام نشده» باقی خواهند ماند و انجام آن ها هم طولانی و دشوار است، اما برای تحول جدی به هر حال ضروری است.

به این ترتیب در انتخابات اخیر واکنش آن بخش وسیع مردم که به آن ها اشاره شد، اگر چه حرکتی کور بود، اما حرکت بود و به هر حال از تکاپوی درونی جامعه خیر می داد. معنای این ۱۷ میلیون رای در واقع مخالفت با سیاست هایی است که در دوره رفسنجانی و خاتمی دنبال شده است. نه تایید سیاست های هنوز ناشناخته ای که قرار است پس از این در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد اجرا شود. زیرا مردم سیاست های دوران رفسنجانی و خاتمی را طی شانزده سال گذشته عملاً تجربه کرده و شناخته اند و نتیجه آن ها وضعی است که پیش روی خود دارند، بنابر این چیز مشخصی را مد نظر دارند تا با آن مخالفت کنند. اما در مورد آنچه احمدی نژاد قرار است در آینده انجام دهد، هنوز نتیجه تجربی و ملموسی نداشتند تا با آن مخالفت یا موافقت کنند. این «اکثریت رای دهندگان» که امروز به احمدی نژاد رای داده اند در دو دوره قبل - با درصدی حتی بالاتر - به خاتمی رای داده بودند و از او

اخبار و اطلاعات و تحولات بین‌المللی انس و ارتباط دارند و این لایه‌ها به ندرت در میان کسانی که به احمدی‌نژاد رای دادند، یافت می‌شوند. توده عادی زحمتکشان شهری مخصوصاً در شهرهای کوچک‌تر که تعداد آن‌ها خیلی بیشتر از شهرهای بزرگ است و روستائیان که این دو بر روی هم بدنه اصلی جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند، در جریان عادی زندگی روزمره خود نه مجال و امکانی برای پرداختن به این گونه مسائل دارند و نه انگیزه‌ای و تعرض غرب علیه جمهوری اسلامی هم هنوز در مرحله تبلیغاتی است و آثار عملی بر زندگی این توده وسیع ندارد که در آن‌ها واکنشی برانگیزد. حتی بحث‌هایی هم که «دو خردادی‌ها» هشت سال بود در زمینه دموکراسی و حقوق بشر به راه می‌انداختند یا سرنوشت چند روزنامه‌نگار یا وبلاگ‌نویس که این همه پیرامون آن‌ها هیاهو می‌کردند هم برای مردم عادی جاذبه و معنای چندانی نداشت و انگیزه‌ای در آن‌ها به وجود نمی‌آورد. این بحث‌ها بیشتر برای حل مسائل و اختلافاتی که در درون ساختار قدرت و بین خود جناح‌های حاکم بروز می‌کرد، کاربرد داشت. ذهن جریان لیبرالی این مساله را درک نمی‌کند، کمالینکه شوک این انتخابات و نتایج آن‌ها را به خود نیاورده و هنوز هم به همین شیوه‌ها عمل می‌کنند و می‌کوشند با دامن زدن به همین گونه هیاهوهای گذرا و بی‌اثر، موج سواری کنند. اما شرایط واقعی زندگی اقتصادی و اجتماعی، بیکاری، گرانی، محرومیت از خدمات آموزشی و بهداشتی، فحشاء، اعتیاد، جرم و جنایت، و در همان حال آگاهی این توده مردم عادی از دامنه چپاول «آقازاده‌ها» و تحقیری که مردم از نوکیسه‌ها تحمل می‌کنند، پدیده‌هایی است عینی و روزمره، که مردم عادی چه بخواهند چه نخواهند با آن سر و کار دارند و بر آن‌ها اثر می‌گذارد. و خیلی بیش از بحث‌های ذهنی مربوط به احتمال تعرض غرب و رفتار واشنگتن نسبت به ایران، در جهت‌گیری‌های آنان موثر است. البته همه کاندیداها و جریان‌هایی که در انتخابات دخالت و فعالیت داشتند - هر یک از دیدگاه خود و با نتیجه‌گیری خاص خود - در کنار سایر مسائل به تهدیدات خارجی پرونده هسته‌ای ایران هم اشاراتی می‌کردند، اما آرائی که توده عادی مردم به صندوق‌ها می‌ریزند اولاً بدان حد سنجیده و مبتنی بر مطالعه و محاسبه همه جواب داخلی و خارجی کار نیست که این مسائل سهم قابل توجهی در آن‌ها داشته باشند، و ثانیاً در

رای اصولاً از دادن رای خودداری کنند، فقط در جامعه‌ای اتفاق می‌افتد که آزادی انتخاب وجود نداشته باشد. جامعه‌ای که در آن ابتدا حاکمیت در میان عناصر مطلوب خود انتخاباتی صورت داده و آن‌گاه چند نفر «انتخاب شدگان» خود را برای اجرای نمایش «انتخابات» به مردم معرفی می‌کند. به هر حال، حتی اگر آمار رسمی را هم مبنی قرار دهیم، وقتی ۱۷/۳ میلیون رای را که سی و شش درصد کل دارندگان حق رای را تشکیل می‌دهند آن قدر اهمیت دارد که هم رئیس‌جمهور را تعیین کند و هم دلیل مشروعیت نظام حاکم تلقی شود، به طریق اولی ۲۰ میلیون رای که حدود ۴۲ درصد کل دارندگان حق رای را تشکیل می‌دهد - و خودداری آنان هم از دادن رای به دنبال تحریم انتخابات صورت گرفته باشد - می‌تواند دلیل بطلان و عدم مشروعیت کل وضع موجود تلقی شود. به ویژه که وزن و اهمیت این بیست میلیون رای فقط از لحاظ کمی بیش از ۱۷ میلیون قبلی نیست، بلکه از لحاظ کیفی هم این بیست میلیون، رای کسانی است که نمی‌توان آن‌ها را کورکورانه و دسته‌دسته به پای صندوق‌های رای برد. رای کسانی است که سنجیده و با تأمل رای داده‌اند. زیرا حرکت کردن در چارچوب قدرت حاکم و هم‌رنگ شدن با جماعت ساده‌تر و راحت‌تر از شنا کردن برخلاف جریان آب است. رای گروه نخست رای کسانی است که در هر حال تابع وضع موجود بودند و دست کم بخشی از آن‌ها هم باید رای اعضای حزب باد به شمار آورد که از بین دو گزینه‌ای که نظام مقرر داشته به یکی رای داده‌اند، اما رای گروه دوم رای کسانی است که دریافته‌اند تغییر ساختار موجود و تأمین شرایطی که در آن حق مردم در تعیین سرنوشت خویش به رسمیت شناخته شده و اراده‌ی مردم به عنوان منشاء حاکمیت پذیرفته شده باشد، بر انتخاب ریاست جمهوری منطقات تقدم دارد و بدون تأمین چنین شرایطی بحث بر سر ریاست جمهوری این یا آن فرد نیست.

آیا احمدی‌نژاد از تعرضی که در غرب، به ویژه به وسیله‌ی تهدیدهای کاخ سفید واشنگتن علیه جمهوری اسلامی جریان دارد، بهره‌برداری کرد؟

بحث تعرض غرب نسبت به خاورمیانه و به ویژه تهدیدات کاخ سفید و دیدگاه‌ها و اظهارنظرهای متفاوتی که پیرامون آن ابراز می‌شود، بیشتر بحثی است روشنفکرانه و ذهنی که غالباً در میان لایه‌های تحصیل کرده جامعه مطرح است که با رسانه‌ها و جریان

برگردیم و تحولاتی را که منجر به شکل گیری وضع حاضر شده خیلی خلاصه مرور کنیم. کشتارهای دهه شصت که آخرین و گسترده ترین موج آن قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ بود، به نام دین و زیر لوای مذهب و به بهانه ضدیت با نظام اسلامی صورت گرفت. اما واقعیت آن ها، سرکوب و کشتار نیروهای مردمی، دموکرات و چپ، به دست نمایندگان سرمایه های تجاری ماقبل سرمایه داری - بازار - و روحانیتی بود که نماینده و متکی به آن ها بود. نمایندگان سیاسی بازار و سرمایه های تجاری سنتی که در این دوره آشکارا و با نام و تابلوی خود، «دادستانی انقلاب» و «دادگاه های انقلاب» را قبضه کرده بودند، جانی برای هیچ گونه ابهام و تردید در این باره باقی نمی گذاردند.

در اساس و کنه قضیه، نه طراحت و مجریان این کشتارها و سرکوب ها غم و غصه دین را داشتند و نه قربانیان آن دهه، به خاطر بی دینی کشتار و سرکوب شدند. شمار وسیع اعضا و هواداران مجاهدین که همه مسلمان بودند و در این سال ها کشتار و سرکوب و همراه نیروهای چپ اهدام شدند، دلیل روشن این واقعیت است که نزاع بر سر کفر و دین نبود، بلکه موضوع سرکوب و کشتار نیروهای اجتماعی دموکرات و چپ، به دست ارتجاع متکی به بازار بود.

اما چون ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه، و نیازها و اقتضانات عینی رشد آن، رشد سرمایه داری پیرامونی را ایجاب می کرد، در نظامی که پس از آن، بر بستر سرکوب نیروهای دموکراتیک و در غیاب این نیروها رشد کرد، یک جناح لیبرال نیم بند و جبون هم درون ساختار قدرت پا گرفت و همراه با شرکای خود در خارج از ساختار قدرت، از سال های دهه هفتاد به بعد، به طور آشکارتری ایفای نقش یک اپوزیسیون قانونی و نمایی را به عهده گرفت. به همین دلیل طی دهه گذشته، لیبرال ها شرایطی داشتند که با پایگاه اجتماعی خود رابطه نزدیک تری نسبت به نیروهای چپ و دموکرات ایجاد کنند. و باز در نتیجه این وضع جو غالب، به طور طبیعی در این اپوزیسیون قانونی و مجاز سال های اخیر جامعه هم یک جو لیبرالی بود، که اکنون پس از متجاوز از یک دهه، سیاست ها و مانورهای آن دچار چنین شکست سنگین و آشکاری شده است. اکنون مردم به سینه ی لیبرال ها دست رد زده اند، اما چون گزینه دیگری در کار نبوده، احمدی نژاد پیروز این میدان شده است.

جهت گیری های ساده این مردم سهل الوصول هم عوامل عینی و ملموسی که در زندگی روزمره خود با آن سر و کار دارند بیشتر نقش دارد تا این نوع ملاحظات نظری.

اگر دلایل پیروزی احمدی نژاد تنها دلایل داخلی است، آیا جنبش های مترقی یا سازمان های چپ کاملا از میان رفته اند که مردم به یک فرد «محافظه کار» رای می دهند؟

جنبش های مترقی و سازمان های چپ پس از سرکوب های سنگین و کشتارهای وسیع دهه شصت و زیر تاثیر حوادثی که طی این دو دهه در صحنه های داخلی و بین المللی روی داده است، نتوانسته اند خود را به کیفیتی بازسازی کنند که آلترناتیو دموکراتیک و مستقلی را به جامعه ارائه کنند و هنوز چنان تاثیر گسترده ای بر روی آرای توده مردم ندارند که بتوانند از پیروزی کاندیدای «محافظه کاران» که منتخب خود حاکمیت و دستگاه قدرت است، جلوگیری کنند. این خلاء مخصوصا در شرایط حاضر که نمایندگان لیبرالیسم، چه در داخل ساختار قدرت و چه بیرون از آن چنین مفتضح شده اند، و تضادها و واقعیات عینی جامعه همه شعارها، مانورها و سیاست های آنان را بی اثر ساخته است، بیشتر جای تاسف دارد. البته وقتی از کل ۴۷ میلیون نفری که حق رای دارند ۲۰ میلیون نفر آنان انتخابات را تحریم و از شرکت در آن خودداری می ورزند، این رقم که بخش قابل توجهی از آن را عناصر دموکراتیک و مردمی تشکیل می دهند، وسعت زمینه بالقوه اجتماعی مقاومت مردمی را نشان می دهد. اما به دلیل آن که آلترناتیو چپ و مترقی نتوانسته است در صحنه ی مبارزات اجتماعی ایران به صورت مستقل در این سال ها مطرح شود، علیرغم این که مردم دست رد به سینه ی لیبرال و سیاست های آن ها زدند، محافظه کاران مذهبی توانستند با جلب حدود ۱۷ میلیون رای که بخش عمده آن آراء توده عادی مردم است، برنده این انتخابات شوند. این امر دو علت دارد: یکی ضعف و تشت در میان خود نیروها و جریان های مترقی و دموکراتیک که حتی منجر به تسلیم و دنباله روی بخش هایی از آن ها از جریان های لیبرال شده و تاکنون مانع وحدت و تشکل و ارتباط آن ها با پایگاه اجتماعی طبیعی شان بوده است، و دیگری ماهیت و ساختار سیاسی و حقوقی نظام حاکم که اجازه حرکت مستقل و مطرح شدن گزینه دموکراتیک و مردمی را نمی دهد. اما برای این که درک کنیم چگونه جامعه ما به این وضعیت رسیده است، باید مدتی به عقب

دیگر موجبی برای رفتن من و امثال من به زندان، یا ماندن من و امثال من در زندان، باقی نخواهد ماند.

برلین در برابر احمدی نژاد چه موضعی باید اتخاذ کند؟

درک نمی‌کنم که چرا من در این باره باید اظهار نظر کنم. طبیعی است که برلین می‌خواهد در روابطش با دولت ایران منافع آلمان را حفظ کند و چنین چیزی قابل درک هم هست. اما اگر قرار باشد من نظر و تمایلم را بیان کنم، باز هم طبیعی است که آن چه را که با توجه به منافع و مصالح مردم ایران اصلح می‌دانم بیان خواهم کرد، و این دو، ممکن است با یک دیگر سازگار نباشند. دست کم می‌توان از دولت‌های دیگر خواست، در تلاش برای تامین منافع خود، سرنوشت مردم ایران و منافع تاریخی آن‌ها را نادیده نگیرند. اما اگر بخواهم صرفاً از دیدگاه طرف آلمانی به موضوع نگاه و نظرم را بیان کنم، باید بگویم جمهوری اسلامی ویتترین خاتمی و «اصلاح طلبان» را جمع کرده و ملاحظاتی را که از سوی وزارت خارجه خاتمی رعایت می‌شد، کنار گذاشته و اکنون یک دست و روبرو با میدان آمده است. اگر سیاست‌های دو پهلوی گذشته اروپا در گذشته هم حاصلی برای اروپائیان داشته است، این سیاست، دیگر اکنون حاصلی نخواهد داشت.



ایران کشوری خطرناک برای اتحادیه‌های کارگری اعلام شد

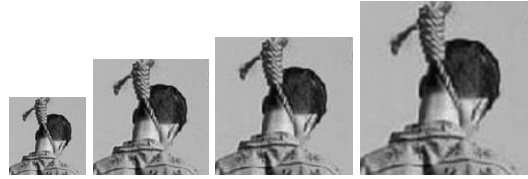
این کنفدراسیون که در بروکسل، پایتخت بلژیک استقرار دارد ایران را از لحاظ میزان امنیت اتحادیه‌های کارگری در ردیف کشورهای کلمبیا، بلاروس، برمه، کامبوج، چین، دومینیک، هائیتی، نیجریه، فیلیپین، ترکیه، ونزوئلا و زیمبابوه قرار داده و فعالیت در اتحادیه‌های کارگری را در این کشورها خطرناک دانسته است. کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد کارگری که از سال ۱۹۴۹ میلادی سابقه فعالیت دارد از ۲۳۴ اتحادیه کارگری از ۱۵۴ کشور جهان تشکیل شده که در مجموع ۱۴۵ میلیون عضو دارند. گزارش سالیانه این کنفدراسیون نشان می‌دهد که فعالیت در اتحادیه‌های کارگری نسبت به قبل خطرناکتر شده است، تا آنجا که طی سال ۲۰۰۴ میلادی ۱۴۵ فعال کارگری در سراسر جهان به قتل رسیده‌اند، حدود پانصد نفر از آنها تهدید به قتل شده و بیش از هفتصد تن دیگر مورد حمله قرار گرفته‌اند. این آمار از لحاظ تعداد کشته‌شدگان، شانزده مورد نسبت به سال پیش از آن افزایش نشان می‌دهد. بقیه در صفحه ۳۰

در این میان آن چه از نظر خود ما مهم و در خور تاسف است، آلودگی برخی جریان‌های بازمانده از چپ به توهمات لیبرالی و مسخ‌شدگی و تقلید آن‌ها از مانورها، فرصت‌طلبی‌ها و نظرات لیبرال‌ها است. انتخابات اخیر و نتیجه نهائی آن برای بسیاری تعجب‌آور و غیرمنتظره بود و در جستجوی دلایل آن هستند. اگر یک دلیل نتیجه غیرمنتظره این انتخابات، حضور هاشمی رفسنجانی به عنوان نماد خصوصی‌سازی و روش‌های سرمایه‌داری و لیبرالی بود که دافعه‌ای نیرومند به سود حریف ایجاد کرد، دلیل دیگر آن، عدم حضور آلترناتیو چپ و مردمی در صحنه مبارزات اجتماع ایران است.

دولت آلمان در مورد وضعیت شما چه کاری باید یا می‌تواند انجام دهد؟

در این سوال دوباره به موضوع خود من برگشته‌اید. ما در جهانی و در شرایطی زندگی می‌کنیم که در درجه اول باید اصل اتکاء به نیروی خود را تقویت کنیم. امروزه دولت‌ها در روابط بین خود بسیار مصلحت‌گرایانه و بی‌اصول عمل می‌کنند. در درجه بعد انتظار ما از دولت‌های دیگر به ویژه دولت‌هایی مانند آلمان که روابط گسترده‌ای در زمینه‌های مختلف با ایران دارند این است که بین تعقیب منافع خود و رعایت منافع و سرنوشت مردم ایران، توازنی را رعایت کنند، و اگر بده بستان‌های سیاسی، مصلحت‌کاری‌های روزمره و محظورات دیپلماتیک برای آن‌ها مجالی باقی‌گذارد، در روابط خود، به تعهداتی که اصول اعلام شده سیاسی خود آن‌ها به عهده‌شان می‌گذارد، عمل کنند، یعنی برای رعایت حقوق دموکراتیک مردم ما، بدون توجه به تعلقات سیاسی آن‌ها، بدون تبعیض سیاسی بر ایران فشار آورند. این چیزی است که در چارچوب جاری و پذیرفته شده روابط بین دولت‌ها، یک دولت می‌تواند آن را از دولت دیگری مطالبه کند. آن هم نه منحصر در مورد من یا مثلاً اکبر گنجی، ده‌ها زندانی سیاسی دیگر وجود دارند که اکنون دهه دوم عمر خود را در زندان می‌گذرانند. کسان دیگری با احکام اعدام روبرو هستند و شرایط هیچ یک از آن‌ها هم بهتر از شرایط من و گنجی نیست. اگر موازین حقوق بین‌المللی، میثاق‌ها و مقاله‌نامه‌های بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و اسناد دیگر از همین قبیل که دولت ایران نیز همه آن‌ها را امضا کرده است، رعایت و اجرا شود،

چین، عربستان، ایران و ۹۷ درصد اعدامهای جهان



دوشنبه ۱۸ مهرماه روز جهانی مبارزه برای لغو اعدام بود. در حال حاضر در بیش از نیمی از کشورهای جهان مجازات اعدام لغو شده است. اما کشورهایی مانند چین، ایران، عربستان سعودی از آنها کشورهایی هستند که بالاترین شمار اعدام در سال جاری در آنها انجام گرفته است. آمریکا نیز بمانند بعضی از کشورهای مستبد هنوز مجازات اعدام از قوانین این کشور حذف نشده است. در کشورهای عضو اتحادیه اروپا، حتی ترکیه که قرار است به آن بپیوندد، مجازات اعدام لغو شده است. شیرین فامیلی در گزارشی نظر عبدالکریم لاهیجی نایب رئیس جامعه های دفاع از حقوق بشر و محمد علی دادخواه وکیل دادگستری و سخنگوی کانون مدافعان حقوق بشر در ایران را جویا شده است.

شیرین فامیلی: بر اساس گزارش سازمانها و مجامع مدافع حقوق بشر، هم اکنون مجازات اعدام در بیش از نیمی از کشورهای جهان لغو شده است. آخرین گزارش سازمان عفو بین الملل حاکیست که ۷۵ کشور مجازات اعدام را برای هر نوع جرمی لغو کرده اند. به گفته دکتر عبدالکریم لاهیجی نایب رئیس جامعه های دفاع از حقوق بشر، وضعیت اعدام در قاره آسیا تاسف انگیز است.

عبدالکریم لاهیجی: متأسفانه باید بگویم قاره آسیا بدترین قاره است در رابطه با مجازات اعدام. در لیست کشورها که در آنها اعدام به طور راسخ و مکرر هر سال تکرار می شود، سه کشور در صدر این لیست هستند، ایران، چین و عربستان سعودی. هر چند که ایران عضو عهدنامه بین المللی حقوق کودک است، ولی متأسفانه موارد بسیاری است که کودکان کمتر از ۱۸ سال در ایران اعدام شده اند و اعدام می شوند. هر چند که الان در اثر تلاشها و کوششهایی که سازمانهای دفاع از حقوق بشر با اتحادیه اروپا صورت داده اند، جمهوری اسلامی می گوید که دیگر کسی کمتر از ۱۸ سال اعدام نمی شود.

ش . ف: در آخرین گزارش فعالان حقوق بشر در ایران آمده است که در شهریورماه گذشته چهار نفر بین ۱۷ تا ۲۲ ساله به حکم دادگستری بندرعباس و تایید دیوان عالی کشور به دار

آویخته شده اند. دکتر عبدالکریم لاهیجی می گوید با وجود اقدامات چینی، مسئولان قوه قضائیه اعدام افراد زیر ۱۸ سال را رد می کنند.

عبدالکریم لاهیجی: تقلبی که مقامات جمهوری اسلامی انجام می دهند، این است که اجرای مجازات اعدام را می گذارند وقتی که محکوم به ۱۸ سال رسید او را اعدام می کنند، می دانید که این اواخر دو نوجوان را در مشهد اعدام کردند به اتهام عمل جنسی توام با تجاوز، آنچه که در عالم حقوق بهش می گویند عنف و اطلاعاتی که به ما رسیده بود نشان می داد که اینها هر دو کمتر از ۱۸ سال داشتند. بعد سخنگوی قوه قضائیه گفت که نه اینها در هنگام حکم اعدام بیشتر از ۱۸ سال داشتند.

ش . ف: هم اکنون دادگاههای ویژه کودکان در ایران وجود ندارد. محمد علی دادخواه وکیل دادگستری و سخنگوی کانون مدافعان حقوق بشر در ایران، از نقص عمده قانون مدنی ایران می گوید.

محمد علی دادخواه: علیرغم این که ما در ۴۰ سال پیش دادگاههای ویژه کودکان داشتیم، الان دادگاههای کودکان منحل شده و نهایتاً یک کسی که هنوز به ۱۸ سال تمام نرسیده و حتی کسی که به ۱۵ سال تمام هم نرسید، عین افراد بزرگ محاکمه می شود. این به دور از ضوابطی است که کنوانسیون حقوق کودک در چین تعیین کرد و اعلام داشت که سن رشد را ما باید ۱۸ سال قلمداد کنیم.

ش . ف: سازمان عفو بین الملل در سال ۲۰۰۴ از اعدام ۴ مجرم خردسال در جهان خبر داد که یک مورد در چین و سه مورد آن در ایران بوده است. در همین سال ۹۷ درصد تمام اعدامها در چین، ایران، عربستان سعودی و ایران بوده است.

عبدالکریم لاهیجی: میزان مجازات اعدام هم باید بگویم که متأسفانه در سالهای اخیر، نه تنها در ایران رو به کاهش نبوده که در بسیاری از ماهها مجازات اعدام بالاتر است و طی ده ماهی که از سال کنونی مسیحی می گذرد بیش از ۲۰۰ تن در ایران اعدام شده اند بش . ف: به گفته محمدعلی دادخواه سخنگوی کانون مدافعان حقوق بشر در ایران، در عصر حاضر باید اعدام از لیست مجازات حذف شود.

بقیه در صفحه ۶

هم محاربه. بعضی از فعالان سیاسی که بنوعی وابسته به گروه‌های مسلح هستند یا متهم به اقدامات خشونت آمیزند، آنها را تحت عنوان محاربه محکوم می‌کنند.

کیواندخت قهاری: آقای باقی، در ایران برخلاف کشورهای دیگر که هنوز مجازات اعدام را دارند، در بسیاری موارد اعدام در ملا عام صورت می‌گیرد. چرا؟

عمادالدین باقی: سنت اعدام در ملا عام چیزی نیست که مختص ایران باشد. در دنیای غرب هم در طول چند قرن این اتفاق می‌افتاده، اما به دلیل آثار و عوارض روانی که در توده‌ی مردم داشت و حتی در بعضی موارد منجر به همدلی مردم با کسانی می‌شد که محکوم به اعدام می‌شدند. با وجود اینکه پیش از اعدام و قبل از اینکه مردم شاهد این صحنه باشند، بسیاری از آنها از کشتن افرادی که به دلیل قتل و شرارت مورد انزجار بودند، دفاع می‌کردند، اما وقتی شاهد اعدامشان در ملا عام می‌شدند، تغییر نظر می‌دادند و نوعی حس همدلی پیدا می‌کردند. به همین دلیل این شیوه در غرب مدتهاست تعطیل شده، اما در کشور ما هنوز ادامه دارد و شاید به همان دلایلی که در آن‌زمان در غرب وجود داشت. آن‌زمان استدلالشان این بود که فکر می‌کردند به این وسیله باعث ایجاد رعب می‌شوند و وقتی مجرمین و کسانی که مرتکب بعضی از جرائم خشن می‌شوند علیه جامعه، مرعوب بشوند، این ارباب یک عامل بازدارنده است. هنوز هم این تفکر سنتی و غلط وجود دارد در جامعه ما که فکر می‌کنند با اعدام در ملا عام می‌توانند باعث ارباب بشوند و این ارباب می‌تواند عامل بازدارنده‌ای باشد برای عمل جرم.

کیواندخت قهاری: بنابراین، از استدلال‌های کسانی گفتید الان که موافق اعدام هستند. استدلال مخالفان اعدام چیست؟

عمادالدین باقی: دو گروه ادله‌ی زیادی ارائه می‌کنند. اما آن کسانی که عمدتاً مخالف اعدام هستند یکی از دلایلی که ارائه می‌دهند اینست که تقاضای مجازات اعدام یک عمل غیرمنطقی و مستبدانه و نوعی بی‌رحمی است، دوم اینکه معمولاً قربانیان اصلی مجازات اعدام از اقلیت‌های نژادی، فقرا و تهیدستان‌اند. اگر مروری به آمار محکومین به اعدام بکنیم، می‌بینیم که کسانی هستند در طبقات مرفه که مرتکب همان جرائم می‌شوند، ولی این جرائم پنهان می‌شوند. اما کسانی که محرومند و به طبقات ضعیف اجتماعی تعلق دارند قربانیان مجازات اعدام هستند. یکی دیگر از

عمادالدین باقی مبارزه با مجازات اعدام در ایران



روز دهم اکتبر، ۱۸ مهر ماه، روز جهانی مبارزه با مجازات اعدام است. جنبش جهانی برای ممنوعیت مجازات اعدام در حال رشد است. به گزارش سازمان عفو بین‌الملل اکثریت کشورهای جهان مجازات اعدام را یا از قوانین خود، یا در عمل، حذف کرده‌اند. دیگر کشورها نیز در این راستا گام برمی‌دارند. با وجود این هنوز هم اعدام متهمان به یک سری از جرائم در ملا عام ادامه دارد. در ایران نیز مجازات اعدام لغو نشده است.

به خاطر گره خوردگی موضوع مجازات اعدام با مذهب در ایران، طرح آن از سوی فعالان حقوق بشر حساسیت برانگیز است. چنانچه از دلایل توقیف روزنامه نشاط در سال ۱۳۸۱ انتشار مقاله‌ای در انتقاد به مجازات اعدام بود: مقاله‌ای با عنوان "اعدام و قصاص" به قلم عمادالدین باقی. عمادالدین باقی که به خاطر آن مقاله زندانی شد، پس از آزادی تا امروز به نوشتن در انتقاد به اعدام ادامه داده است. به مناسبت روز جهانی مبارزه با مجازات اعدام کیواندخت قهاری با آقای باقی مصاحبه‌ای انجام داده است.

کیواندخت قهاری: آقای عمادالدین باقی، در ایران مجازات اعدام برای چه جرم‌هایی در نظر گرفته شده است؟

عمادالدین باقی: آن موارد و مصادیقی که برای آن مجازات اعدام در نظر گرفته شده بسیار زیاد هستند، اما اگر بخواهیم آنها را گروه بندی بکنیم، شاید در ۱۵ گروه و طبقه قرار بگیرند. از جمله ۱- مجازات برای قاچاق مواد مخدر، ۲- جاسوسی، ۳- خیانت به کشور. مقوله‌ی دیگر: تکرار شرب خمر، تکرار مساحقه، تکرار تفریحی، تکرار زنا، تکرار قذف، تکرار سرقت و دهمین مورد هم تروریسم اقتصادی که به اصطلاح اخلاص‌گری در نظام اقتصادی کشور است، زنا، لواط، ارتداد، محاربه، و قتل عمد. مجموعاً این پانزده گروه از مصادیق و مواردی است که مجازات اعدام برایشان صادر می‌شود.

کیواندخت قهاری: اخیراً مورد اعدام چند فعال سیاسی کرد را داشتیم. اعدام در این مورد چه کارکردی دارد؟

عمادالدین باقی: آنها هم در یکی از این مقولات قرار می‌گیرند.

کیواندخت قهاری: کدام مقوله؟

عمادالدین باقی: در مقوله‌ی محاربه. من دوتا از این مواردی که ذکر کردم یکی ارتداد بود، که به معنای تغییر عقیده است، و یکی

عمادالدین باقی: نخیر، من معتقدم که بایستی در این زمینه تمام اقداماتی که ممکن است انجام بشود. طرح این موضوع اساساً عادی بشود. کار فرهنگی و توضیحی و علمی و پژوهشگرانه بایستی انجام بگیرد و مهم تر از همه اینکه چون در ایران سنت ها بسیار نیرومند هستند و با کمک این سنت ها می توان چنین مشکلی را حل کرد، و هنوز هم چون متغیرهای سنتی بیش از متغیرهای مدرن عمل می کنند بایستی اینها را با هم سازگار کرد و کار فرهنگی صورت داد در این زمینه و بایستی آمادگی را بوجود آورد. اگر شما بخواهید این امر را موکول بکنید به آگاهی افکار عمومی، معنایش اینست که هیچوقت چنین اتفاقی نیفتد، بخاطر اینکه حتی در کشورهای مدرن و در کشورهایی هم که این مجازات را لغو کرده اند هنوز افکار عمومی کاملاً موافق این نیست و شاید اگر در آن کشورهایی که این مجازات لغو در آنها لغو شده رای گیری بکنند و به افکار عمومی بسپرنند بسیاری از مردم رای به برگرداندن حکم بدهند. بنابراین، نباید به نظر من منتظر شد تا یكروزی و روزگاری جامعه به اینجا برسد. بهرحال این مقوله ی خیلی پیچیده ای ست. چون بسیار جنبه ی عاطفی نیرومندی هم دارد و بهرحال افکار عمومی، بخصوص وقتی جنبه ی عاطفی هم داشته باشد، براحتی همکاری نمی کنند. کار اقناعی و فرهنگی گسترده ای باید در این زمینه صورت بگیرد. البته در این زمینه فعالیت هایی هم کم و بیش دارد انجام می شود. خود ما هم با شیوه های خاصی فعلاً اینکارها را داریم انجام می دهیم.

کیواندخت قهاری: آقای باقی، شما رییس «انجمن دفاع از حقوق زندانیان ایران» هستید. در مورد تعداد کسانی که هم اکنون در انتظار اجرای حکم اعدامشان هستند، می توانید به ما اطلاعاتی بدهید؟

عمادالدین باقی: من در مقاله ای پژوهشی که منتشر کردم و در ضمن اش اعداد و آماری را در مورد محکومین به اعدام ارائه دادم، اطلاعات سال ۸۲، ۸۱، ۸۰ و شش ماهه ی اول سال ۸۳ را در اختیار دارم که شش ماهه دوم سال ۸۳ تا به الان هنوز در دسترس بررسی ست و به آمار قطعی و مستند نرسیده ام. چون آنقدر اطلاعات در این زمینه گاهی ممکن است متناقض و متفاوت باشد و یا حتی اغراق آمیز باشد که من ناچارم تنها به ارقام مستند اعتماد بکنم. آماری که من دارم، در سال ۸۰ کل احکام صادره ۱۷۵ مورد بود که البته ۷۳ مورد اجرا شد و بقیه زیر حکم بودند. در سال ۸۱، ۱۷۲

دلایل شان هم اینست که مجازات مرگ مانع تکرار جرم نمی شود و مطالعات جامعه شناختی هم نشان داده است که مجازات اعدام در هیچ جامعه ای باعث کاهش جرم یا مانع از ارتکاب آن نشده یا بروز خطاهای فراوان اجتناب ناپذیر اخلاقی، قانونی و قضایی در صدور احکام اعدام یکی دیگر از دلایل شان است که اینها معتقدند وقتی این اشتباهات رخ می دهد و بعداً این اشتباه کشف و شناخته می شود، دیگر هیچ راهی برای زنده کردن آن فرد قربانی یا بازگرداندن وی ندارد. یعنی این یک خطای غیر قابل جبران است. حتی در مطالعه ای که در آمریکا شده، در قرن بیستم ۴۰۰ مورد اشتباه افراد محکوم به اعدام شدند. و این خود یکی دیگر از دلایل مخالفان اعدام است. البته در همه ی کشورهای دیگر این اتفاق می افتد، حتی در ایران هم ما مواردی داشته ایم که کسی بعد از گذراندن ۲۰ سال در زندان تبرئه شده و معلوم شده که حکم صادره درباره اش اشتباه بوده و این خبر حتی در مطبوعات رسمی کشور هم منتشر شده است. بنابراین بروز این خطاها، که کم هم نیستند و غیر قابل جبران اند، یکی دیگر از دلایل مخالفان مجازات اعدام است.

کیواندخت قهاری: آقای باقی، چه فعالیت هایی در ایران هم اکنون علیه مجازات اعدام صورت می گیرد؟

عمادالدین باقی: در ایران هنوز پدیده ی مبارزه با مجازات مرگ بصورت یک مسئله درنیامده، بخاطر اینکه آنقدر مسایل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در ایران کثیر و متنوع اند که این در ردیف اموری که اولویت دارند قرار نگرفته است و به لحاظ فرهنگی هم جامعه باید به یک حدی برسد که این مسایل برایش اولویت پیدا کند. در نتیجه این پدیده هنوز به حدی نرسیده که بصورت یک جنبش اجتماعی دربیاید. البته، من نظر شخصی ام اینست که مبانی تئوریک و حتی مذهبی مبارزه با مجازات مرگ وجود دارد و در یک مقاله ی پژوهش میسوطی که سال گذشته ارائه کردم و در دانشگاه استامفورد هم قرائت شد ثابت کردم که مبانی مذهبی اش هم وجود دارد. اما دلایل مختلف سیاسی، اجتماعی و مذهبی در جامعه ما وجود دارد که همچنان از مجازات مرگ حمایت می شود و هنوز به صورت مسئله ای برای افکار عمومی درنیامده است که ما شاهد فعالیت های جدی و موثری در این رابطه باشیم.

کیواندخت قهاری: آیا برای مبارزه ی با آن، فکر می کنید باید صبر کرد تا آگاهی عمومی در این زمینه رشد کند یا...

جویس و ره‌ما دوران دبستان را به پایان نرسانده اند و تنها کالایی را که در اختیار دارند در معرض فروش قرار داده اند تا با پولی حدود یک دلار در روز یا حتی کمتر از آن زندگی می‌کنند. در سراسر جهان روزانه حدود ۱۰۰ هزار نفر در اثر فقر می‌میرند و از این تعداد حدود ۳۰ هزار نفرشان کودک هستند. در جنوب صحرای آفریقا ۱۲ میلیون کودک یتیم که پدر و مادرشان به علت ابتلا به بیماری ایدز در گذشته اند زندگی می‌کنند. اگرچه فقر در آسیا، آمریکای جنوبی و حتی اروپا نیز معضلی بزرگ گشته، اما آفریقا هنوز مرکز فقر جهان است. فقر در این قاره، بخصوص در جنوب صحرای آفریقا به تدریج افزایش می‌یابد و این در حالی است که افزایش فقر با افزایش تولد نوزادان همزمان مرگ و میر مادران در هنگام زایمان همراه گشته و بیماری ایدز هم در کنار خشکی، بیکاری و قرض وسیع کشورهای این قاره و فساد اداری در این کشورها راه برون رفت از معضل فقر را بسیار دشوار ساخته است.

به هر حال در سال ۲۰۱۵ میلادی سازمان ملل متحد مشخص خواهد کرد که آیا در مبارزه با پیشرفت فقر در جهان موفق بوده و توانسته است سطح فقر را در جهان، آن گونه که سران کشورهای جهان در سال ۲۰۰۰ قول داده اند، کاهش دهد یا نه. این در حالی است که اگر ملاحظات سیاسی و اقتصادی کشورها نباشد، با محصولاتی که در سطح جهان تولید می‌شود به راحتی می‌توان همه ی شش میلیارد جمعیت کره خاکی را تغذیه کرد. کارشناسان بر این نظرند که تا سال ۲۰۵۰ جمعیت جهان تا ۳ میلیارد نفر افزایش یافته و به مرز ۹ میلیارد می‌رسد و گفته می‌شود که ۹۷ درصد این جمعیت در آینده در کشورهای در حال توسعه زندگی خواهند کرد، یعنی کشورهایی که در حال حاضر هم با معضل فقر روبرویند. دیگر مشخص است که مشکل رودررویی جهان فقیر و غنی مشکلی جهانی گشته است. حدود نیمی از مردم جهان باید با دو دلار و حدود یک پنجم مردم کره خاکی باید فقط با یک دلار در روز به زندگی ادامه دهند و روزانه ۱۰۰ هزار نفر با شکمی گرسنه سر بر بالین گذارند.

مورد کل احکام صادره بود. در سال ۸۲، ۱۷۹ مورد بود که ۸۱ مورد اجرا شد و بقیه زیر حکم بودند. در شش ماهه اول ۸۳، ۱۱۹ مورد کل احکام صادره بود که ۵۳ مورد اجرا شده و بقیه زیر حکم مانده اند. بعد از آن اطلاعاتی که هنوز جمع کردم بصورت نهایی شده درنیا آمده است. بنابراین، فکر می‌کنم اگر در اعلامش احتیاط بکنم منطقی باشد.

کیواندخت قهاری: طبق آماری که امروز به دست ما رسیده در گزارش فعالین ایرانی دفاع از حقوق بشر در اروپا و آمریکای شمالی، هم اکنون ۱۵۷ نفر محکوم به اعدام در زندانهای ایران هستند. شما، در رابطه با کار انجمن تان، آیا با این زندانیان تماس و رابطه دارید؟

عمادالدین باقی: ما در انجمن به دلیل اینکه ساختار اداری خاصی داریم و پیگیری های ما عمدتاً با مراجعه متهم یا خانواده اش آغاز می‌شود، بنابراین ما کلاً به کسانی سروکار داریم که یا مستقیم یا غیرمستقیم به انجمن مراجعه کرده اند و چون تعدادشان در یکجا متمرکز نیست و خیلی پراکنده است در سطح کشور، به همین جهت ارتباط با اینها و حتا کسب اطلاع از آنها هم کار دشواری است. ما براساس مراجعاتی که می‌شود پیگیری می‌کنیم. در مراجعات ما هم افراد محکوم به حبس و هم افراد محکوم به اعدام وجود دارد و آن کسانی هم که محکوم به اعدام اند، از آنجایی که فعلاً در حبس بسر می‌برند مشمول فعالیت های انجمن می‌شوند.

بقیه از صفحه ۳۳

شانه هایش را بالا می‌اندازد و اظهار بی‌اطلاعی می‌کند. این موضوع در منطقه تابوست و کسی در مورد ایدز صحبت نمی‌کند. ره‌ما Rehema، این زن ۱۹ ساله باردار است و نوزادی پنج ماهه در شکم دارد. حدود سه سال پیش پسری به دنیا آورد که در یک سالگی درگذشت. به احتمال زیاد بخاطر ابتلا به بیماری مالاریا. چون خرج تحقیق در مورد دلیل مرگ گران بود، کودک را دفن کردند و توضیحی در این مورد نخواستند.

آیا پسر ره‌ما به بیماری ایدز مبتلا بود؟ کسی نمی‌داند. ۸ درصد مردم تانزانیای، یعنی بیش از دو میلیون نفر، مبتلا به این بیماری مرگ زا هستند و مناطق فقیرنشینی چون تانداله یکی از مراکز ابتلا به این بیماری به حساب می‌آید. در این منطقه بیماری ایدز و فقر دست در دست هم داده و فاجعه های مرگبار می‌آفرینند.

هیچ کس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات
بارفراظالمانه، ضد انسانی یا تحقیرآمیز قرار

گیرد. ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر

برگردان: سهیلا وحدتی



اعلامیه مربوط به مدافعین حقوق بشر

توضیح مترجم: آنچه در زیر آمده است متن یادداشتی از دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد^۱ درباره اهمیت این قطعنامه است. متن کامل قطعنامه در پایین صفحه آمده است. لازم به ذکر است که در پی تصویب این قطعنامه، حکم «نماینده ویژه سازمان ملل در مورد مدافعین حقوق بشر» توسط کمیسیون حقوق بشر در آپریل ۲۰۰۶ صادر شد که در جهت اجرای اعلامیه حقوق و مسئولیت افراد، گروهها و سازمان های جامعه برای پیشبرد و حمایت حقوق و آزادی های اساسی برسمیت شناخته شده جهانی فعالیت نماید. اولین فرد در این مقام خانم هینا جیلانی است که با حکم دبیرکل سازمان ملل در سال ۲۰۰۰ برگزیده شده و با تمدید دوره سه ساله کار خویش، تا سال ۲۰۰۶ در این مقام بکار ادامه خواهد داد.

کار بر روی جزئیات اعلامیه مربوط به مدافعین حقوق بشر در سال ۱۹۸۴ آغاز گشت و با تصویب متن آن توسط مجمع عمومی در سال ۱۹۹۸، در پنجاهمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر، پایان یافت. تلاش مشترک گروهی از سازمان های غیردولتی حقوق بشر و برخی نمایندگان دولتی به تهیه یک متن قوی، قابل استفاده و عملی یاری رساند. شاید مهمتر از همه این باشد که اعلامیه تنها خطاب به حکومتها و مدافعین حقوق بشر نیست، بلکه خطاب به همه است. این سند بیان می دارد که همه ما نقشی برای عمل به عنوان مدافعین حقوق بشر داریم و تاکید می کند که یک نهضت جهانی حقوق بشر وجود دارد که همه ما را در بر می گیرد. نام کامل این اعلامیه چنین است:

«اعلامیه حقوق و مسئولیت افراد، گروهها و نهادهای جامعه در ترویج و حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی شناخته شده جهانی» که به خاطر طولانی بودن معمولا به عنوان مختصر «اعلامیه مربوط به مدافعین حقوق بشر» از آن یاد می شود.

۱. نقش حقوقی

اعلامیه به خودی خود یک سند تعهدآور حقوقی نیست. اما شامل یک سری اصول و حقوقی است که بر اساس استانداردهای حقوق بشری است که در دیگر سندهای بین المللی آمده که از نظر حقوقی تعهدآور هستند، همچون میثاق بین المللی حقوق مدنی و

سیاسی. افزون بر آن، این اعلامیه با توافق عمومی مجمع عمومی تصویب شده و از این رو نمایانگر تعهد بسیار قوی حکومتها در اجرای آن است. حکومتها پذیرش این اعلامیه را به عنوان قوانین تعهدآور ملی روز به روز بیشتر مورد توجه قرار می دهند.

۲. مواد اعلامیه

این اعلامیه به تقویت و حمایت مدافعین حقوق بشر در زمینه کار آنان می پردازد. این سند حقوق جدیدی را نمی آفریند، بلکه در عوض حقوق موجود را به شیوه ای بر می شمارد که اجرای آنها در مورد نقش عملی و وضعیت مدافعین حقوق بشر ساده تر است. به عنوان نمونه، توجه را به حق دسترسی به منابع مالی توسط سازمان های مدافع حقوق بشر و جمع آوری و تبادل اطلاعات در زمینه استانداردهای حقوق بشر و نقض آنها جلب می نماید. این اعلامیه رئوس برخی وظایف مشخص حکومتها و مسئولیت همه افراد را با توجه به دفاع از حقوق بشر بیان نموده و همچنین درباره رابطه آن با قوانین کشور توضیح می دهد. بیشتر مواد این اعلامیه در بندهای زیر خلاصه شده است (۱). این نکته دارای اهمیت است که باز تصریح شود که مدافعین حقوق بشر موظف هستند که بر اساس این اعلامیه فعالیت های مسالمت آمیز انجام دهند.

(آ- حقوق و حمایت های داده شده به مدافعین حقوق بشر

- مواد ۱، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۱، و ۱۳ این اعلامیه حمایت های مشخصی را برای مدافعین حقوق بشر برمی شمارند، از جمله این حقوق:
- درخواست حمایت و تحقق حقوق بشر در سطح ملی و بین المللی؛
 - انجام کارهای حقوق بشری بطور فردی یا همراه با دیگران؛
 - تشکیل انجمن ها و سازمان های غیر دولتی؛
 - دیدار یا گردهمایی مسالمت آمیز؛
 - درخواست، بدست آوردن، دریافت و نگهداری اطلاعات مربوط به حقوق بشر؛
 - بحث و پرورش اصول و ایده های نوین و تبلیغ برای پذیرش آنها؛
 - ارائه پیشنهادها و انتقاداتی به نهادهای دولتی و موسسات و سازمان هایی که در رابطه با امور اجتماعی هستند، به منظور بهبود عملکرد آنها و یا جلب توجه به جنبه هایی از کار آنها که ممکن است مانعی تحقق حقوق بشر باشد؛
 - تسلیم شکایت درباره سیاستها و اقدامات رسمی مربوط به حقوق بشر و الزام حکومت برای رسیدگی به این شکایات؛

• تقویت و تضمین ایجاد و گسترش سازمان‌های مستقل برای ترویج و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در همه قلمرو تحت حاکمیت خود را، از جمله ماموران حل اختلاف یا کمیسیون‌های حقوق بشر؛

• فراهم آوردن و ترویج آموزش حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در همه سطوح آموزشی و تربیت حرفه‌ای؛

(پ) - مسئولیت همه افراد

این اعلامیه تأکید می‌کند که هرکسی وظایفی در قبال و درون اجتماع دارد و همه ما را تشویق می‌نماید که مدافعین حقوق بشر باشیم. ماده‌های ۱۰، ۱۱ و ۱۸ رئوس مسئولیت‌های هر کسی را در امر ترویج حقوق بشر، و حفظ دموکراسی و نهادهای آن و عدم نقض حقوق بشر دیگران بر می‌شمارد. ماده ۱۱ اشاره ویژه به وظایف افرادی دارد که به حرفه‌ای مشغولند که می‌تواند بر حقوق بشر دیگران تأثیر گذارد، و بویژه به افسران پلیس، وکیل‌ها و قاضی‌ها و امثال آن مربوط می‌شود.

(ت) - نقش قانون کشور

ماده‌های ۳ و چهار به رابطه این اعلامیه و قوانین بین‌المللی و کشور می‌پردازد با این دید که رعایت بالاترین استاندارد ممکن در زمینه حقوق بشر را تضمین نماید.

«برگرفته از سایت کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد <http://www.ohchr.org/english/issues/defenders/declaration.htm>

(۱) یادداشت مفصل‌تری درباره این اعلامیه در گزارش دبیرکل به کمیسیون حقوق بشر در پنجاه و ششمین جلسه آن در سال ۲۰۰۰ (E/CN.4/2000/95) آمده است که همچنین پیشنهاداتی در زمینه اجرای عملی این اعلامیه در بر دارد.

بقیه از صفحه ۲۴

در مورد ایران، گزارش کنفدراسیون حاکی از قتل چهار نفر به دست پلیس و بازداشت دهها نفر و همچنین مواردی از هجوم خانگی و شکنجه در ارتباط با تظاهرات کارگری با انگیزه‌های صنفی است. در این گزارش از محمود صالحی به عنوان یکی از سران اتحادیه‌های کارگری در ایران نام برده شده که چند بار مورد ارباب مسئولان قرار گرفته و همراه با شش تن دیگر از فعالان کارگری متهم به همکاری با گروه‌های چپگرایی شده که در ایران غیرقانونی شناخته شده اند

• ارائه و تأمین یاری حقوقی در سطح تخصصی و شایسته یا دیگر توصیه‌ها و یاری‌رسانی در دفاع از حقوق بشر؛

• شرکت در جلسه‌های علنی، روند پیشرفت و دادرسی به منظور برآورد میزان همخوانی آنها با قوانین کشور و و تعهدات حقوق بشر بین‌المللی؛

• دسترسی بلامانع به ارتباطات با سازمان‌های غیردولتی و بین‌دولتی؛

• بهره‌مندی از راه‌چاره عملی؛

• اشتغال قانونی حرفه یا تخصص مدافعین حقوق بشر؛

• حمایت موثر توسط قوانین کشور در هنگام واکنش یا مخالفت مسالمت‌آمیز در مقابل اعمال یا حذف‌های منسوب به دولت که به نقض حقوق بشر می‌انجامد؛

• جلب، دریافت و استفاده از منابع برای هدف حمایت از حقوق بشر (از جمله دریافت پول از خارج از کشور).

(ب) - وظایف حکومت‌ها

حکومت‌ها وظیفه دارند که همه مواد این اعلامیه را محترم دانسته و به اجرا گذارند. گرچه ماده‌های ۲، ۹، ۱۲، ۱۴ و ۱۵ اشاره مشخص به نقش دولت‌ها داشته و بیان می‌دارد که هر حکومتی وظیفه و مسئولیت دارد که:

• حمایت، ترویج و تحقق همه حقوق بشر؛

• تضمین اینکه همه افراد تحت قلمرو آن می‌توانند از همه آزادیها و حقوق اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دیگر حقوق و آزادی‌ها در عمل بهره‌مند شوند؛

• انجام اقدامات لازم قانونگذاری، قضایی، دولتی برای تضمین تحقق عملی حقوق و آزادی‌ها؛

• فراهم نمودن راه‌چاره موثر برای افرادی که ادعا می‌کنند قربانیان نقض حقوق بشر هستند؛

• انجام سریع تحقیقات بیطرفانه در مواردی که بنظر می‌رسد حقوق بشر نقض شده؛

• انجام همه اقدامات لازم برای تضمین حمایت از هر کسی در مقابل هرگونه خشونت، تهدید، انتقام‌جویی، تبعیض منفی، فشار یا هرگونه عمل دلخواهی که پیامد استفاده برحق از حقوقی است که در اعلامیه بدانها اشاره شده؛

• ارتقاء درک عمومی از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛

نامه سرگشاده فعالان فرهنگی، سیاسی و دانشگاهی در اعتراض به وضعیت اکبر گنجی

رئیس محترم قوه قضائیه

جناب آقای سید محمود هاشمی شاهرودی

با سلام و دعای خیر

همان گونه که استحضار دارید، مسائل مربوط به زندانی بودن، بیماری، اعتصاب غذا و دیگر موارد مربوط به آقای اکبر گنجی پس از پادرمیانی‌ها و درخواست های مکرر شخصیت های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و وعده‌های ضمنی مسئولان برای حل مسئله، بدون توجه به این تلاش ها و با انتقال آقای اکبر گنجی بر حسب ظاهر پایان یافت.

آقای گنجی در تاریخ ۱۳/۰۶/۸۴ از بیمارستان به نقطه ای نامشخص در زندان اوین انتقال یافت و از ۰۴/۰۶/۸۴ تاکنون هیچگونه اجازه ملاقاتی با او به خانواده و وکلایش داده نشده است و هیچ خبری درباره وضعیت سلامت و حیات وی از سوی منابع مستقل اعلام یا تأیید نگردیده است.

ما می‌دانیم که این محدودیت های استثنائی و در تنگنا گذاشتن آقای گنجی نوعی تنبیه و فشار به دلیل مواضع سیاسی او است. اما مگر قوه قضائیه کشور باید از ابزارهای حکومت تنها برای سرپا نگاه داشتن حاکمیت به هر قیمت استفاده کند و حقوق شهروندان را به هر بهانه نادیده بگیرد؟

فارغ از نوع واکنش قوه قضائیه نسبت به درخواست های شخصیت های یاد شده - که نموداری از نحوه سلوک دستگاه حاکمیت با درخواست های شهروندان به شمار می‌رود - حداقل حقوق انسانی و شهروندی یک زندانی و خانواده و دوستان وی، ملاقات خانواده، اقوام و وکلای مدافع با زندانی و اطلاع یافتن از وضعیت اوست. ما می‌دانیم که این محدودیت های استثنائی و در تنگنا گذاشتن آقای گنجی نوعی تنبیه و فشار به دلیل مواضع سیاسی او است. اما مگر قوه قضائیه کشور باید از ابزارهای حکومت تنها برای سرپا نگاه داشتن حاکمیت به هر قیمت استفاده کند و حقوق شهروندان را به هر بهانه نادیده بگیرد؟

ما، امضاکنندگان این نامه، ضمن اعتراض به محدودیت های جدید ایجاد شده، افزون بر سختگیری های گذشته، برای آقای گنجی، مجدداً و موکداً خواستار رعایت دقیق قانون، عدل و انصاف در مورد ایشان و رعایت حقوق قانونی او، از جمله امکان تداوم درمان در خارج از زندان و فراهم شدن زمینه آزادی کامل وی هستیم و نسبت به هزینه‌ها و پیامدهای این گونه رفتارهای تنبیهی و انتقام جویانه علیه زندانیان سیاسی هشدار می‌دهیم.

۱۶/۷/۱۳۸۴

زهره آقاجری - هاشم آقاجری - محمد آزادی - حمید آصفی - مسعود آقایی، سامر آقایی - هادی احتشالی - نعمت احمدی - مصطفی اخلاقی - کریم ارغنده‌پور - حسن افتخار اردبیلی - علی اکرمی - عبدالمجید الهامی - مهدی امینی زاده - حسین انصاری‌راد - مصطفی ایزدی - ابوالفضل بازرگان - محمدنوبد بازرگان - مختار باطولی - ایرج باقرزاده - روح الله باقر آبادی - پروین بختیار نژاد - رحمت الله برهانی - محمد بستنده‌نگار - محمدحسین بنی‌اسدی - محمد بهزادی - محمد بهفروزی - صفا بیطرف - حسین پایا - علی پایا - مسعود پدرام - محمود پیش‌بین - حبیب‌الله پیمان - عباس تاج‌الدینی - علی تاجرنیا - سیدمصطفی تاج‌زاده - رضا تهرانی - غلامعباس توسلی - محمد توسلی - جلال توکلیان - مجید جابری - حمیدرضا جلائی‌پور - جلال جلالی‌زاده - فریده جمشیدی - مجتبی جهانی - مجید حاجی بابایی - سعید حجاریان - طه حجازی - حمید حدیثی - علی حدیثی - بهزاد حق‌پناه - فاطمه حقیقت‌جو - علی حکمت - ابوالفضل حکیمی - حمید حسامی - محمد حیدری - ابراهیم خوش سیرت - هادی خانیکی - امیر خرم - سیدمحمدعلی دادخواه - محمد دادفر - رسول دادمهر - فریبا داودی مهاجر - پروین‌دخت دفتری - محمود دل‌آسایی - مصیب دوانی - ابراهیم دبنوی - رضا رئیس‌طوسی - محمدجواد رجائیان - علیرضا رجایی - محمدصادق رسولی - احد رضائی - بهمن رضاخانی - حسین رفیعی - پرویز زندی‌نیا - محمدرضا زهدی - احمد زیدآبادی - احمد ساعی - عزت الله سحابی - فریدون سحابی - هاله سحابی - عیسی سحرخیز - سیدرضا سیدزاده - سیدمحمد سیف‌زاده - محمود شاددل بصیر - ابراهیم شاکری - علی شاملو - محمد شانه‌چی - حسین شاه‌حسینی - محمد شریف - ماشاءالله شمس‌الواعظین - فیروزه صابر - محمد صاحب محمدی - محمود صارمی - هاشم صباغیان - احمد صدرحاج‌سیدجوادی - احمد صدری - محمود صدری - مهدی صراف - عباس صفائی‌فر - حمید رضا صدقی - اعظم طالقانی - حسام طالقانی - طاهره طالقانی - محمد طاهری - رضا ظفری - کیان ظهراپی - هما عابدی - حسن عرب‌زاده - روئین عطوفت - علی علوی - علیرضا علوی‌تبار - محمدجعفر عمادی - محمود عمرانی - علی‌اصغر غروی - مسعود غفاری - مهدی غنی - محمدتقی فاضل‌میبدی - ناصر فخرسلطانی - غفار فرزندی - مرتضی فلاح - عباس قائم‌الصباحی - ماهرو فشقایی - رحمانقلی قلی‌زاده - نظام‌الدین قهاری - اسدالله کارشناس - رحمان کارگشا - بهزاد کاظمی - مرتضی کاظمیان - محسن کدیور - پروین کهزادی - یعقوب کوثری - بهناز کیانی - پروین کهزادی - محترم گل‌بابایی - بیژن گل‌افزا - فاطمه گوآرایی - مسعود لدنی - حسین لقمانیان - علی مؤمنی - حسین مجاهد - محسن محقق - نرگس محمدی - نوشین محمدی - محمد محمدی اردهالی - سعید مدنی - مرضیه مرتضی‌لنگرودی - مصطفی مسکین - رضا مسموعی - احمد معصومی - بدرالسادات مفیدی - مرتضی مقدم - احمد منتظری - سعید منتظری - خسرو منصوریان - یوسف مولایی - وحید میرزاده - الله‌کرم میرزایی - علی‌اکبر نجفی - محمود نکوروح - سیدحمید نوحی - مراد ویسی - سید هاشم هدایتی - علیرضا هندی - احسان هوشمند - ناصر هوشمند - ابراهیم یزدی - حسن یوسفی‌اشکوری - رضا یوسفیان

بفیه از صفحه ۳۴

قوانین و احکام تبعیض آمیز

تبعیض در احکام و قوانین که باعث ناآرامیهای سیاسی، اجتماعی و نقض حقوق بشر شده بود، ادامه داشت. (برای مثال) نقش "گزینش" جهت ممانعت استخدام افراد به سبب مذهب و عقاید سیاسی آنها در نهادهای دولتی ادامه داشت. همچنین مصوبه ها و قوانین مبهمی برای تحدید فعالیت اعضاء مجرب و حرفه ای کانون و کلا و اتحادیه و موسسات بازرگانی، اعمال شده است.

در ژانویه (دیماه) معیارهای گزینشی و بازبینی مجدد قوانین و سیاست ها جهت اطمینان از حمایت افراد نسبت به اصول اسلامی بوسیله شورای نگهبان گسترش یافت. در نتیجه این امور، صلاحیت بیش از ۳۵۰۰ نامزد انتخاباتی مجلس (دوره هفتم) رد شد. این عمل بخصوص رد صلاحیت و محرومیت اجباری بیش از ۸۰ نماینده مجلس (ششم) در انتخابات بعدی، محکومیت داخلی و بین المللی ایران را به همراه داشت. "گزینش" برای رد صلاحیت ها، مآخذ و قوانین تبعیض آمیز را ارائه داد.

شرایطی حتمی که از طرف گزینش تعیین شده است (علاوه بر مسائل سیاسی) مذهب و اقلیت های قومی است که مورد تأیید رسمی و قانونی (رژیم) نمی باشند. (برای مثال) بهائیت، اهل حق، سابتین (مسیحیان انجیلی و پروتستانهای بشارتی) در حیطه این نوع تبعیض ها قرار دارند و آنها را از دسترسی به آموزش و فراگیری علم محروم می سازد.

آزادی بیان و تشکیل انجمن ها

در طول سال نقض وقیحانه آزادی بیان و تشکیل انجمن ها بوسیله قوه قضائیه انجام می گرفت. تشکیل هر انجمنی و ابراز بیان و سخنی عمیقاً از ناحیه قوه قضائیه ضربه سیاسی پیدا می کردند و بطور بی شرمانه سرکوب می شدند. روزنامه نگاران به اتهام "تحریک سیاسی نمودن" روبرو می شدند و بطور خودسرانه دستگیر و در بازداشت‌های دراز مدت قرار می گرفتند و نهایتاً در محاکمات غیر منصفانه در دادگاههای غیر علنی به زندان محکوم می شدند. قوانینی که برای دستگیری روزنامه نگاران به آنان استناد می شد بر مبنای اتهامات مبهمی مانند، افترا، به خطر انداختن امنیت ملی، تشویش افکار عمومی، قرار می گرفت که با معیارهای بین المللی مغایرت داشت. سال ۲۰۰۴ (۱۳۸۴) سال اذیت و آزار و

تهدید خانواده ها و وابستگان زندانی (سیاسی) و بعضاً تحت بازجوئی قرار گرفتن آنان بود.

* گزارشی که در ژانویه (دیماه) از طرف نماینده ویژه سازمان ملل در امور پیشرفت و حفاظت از آزادی بیان و عقیده، تهیه شده بود، بیان می دارد که "فضای ترس و سرکوب مداوم برای افرادی که منتقد دستگاه سیاسی و دکتترین مذهبی (تز ولایت مطلقه فقیه) هستند" وجود دارد.

* در اکتبر و نوامبر (مهر و آبان) تعدادی از روزنامه نگاران، بویژه وب لاگ نویسان، در ارتباط با امضاء نامه ای که خواهان اصلاحات سیاسی بود، خودسرانه بازداشت شدند. دستگیر شدگانی که انتظار می رفت ظرف چند ماه دادگاهی شوند عبارتند از جواد غلام تمیمی، شهرام رفیع زاده روزبه و میر ابراهیم.

* در دسامبر (بهمن ماه) بنا بر گزارشی، بیشتر دستگیر شدگان، به گناهان خود در بازداشت گاه اعتراف کردند. اما بعداً یکی از اعضاء دولت اظهار داشت که این اعترافات تحت فشار و (شکنجه) صورت گرفته است.

* تقی رحمانی، علیرضا عالیجانی و هدی صابر، روشنفکران و نویسندگان ملی- مذهبی بدون هیچ چشم اندازی از آزادی بطور خودسرانه هنوز در زندان باقی مانده اند. دادگاه بیش از یکسال است که صدور حکم در مورد آنها را به تعویق انداخته است و این امر باعث شده است که خانواده آنان نتوانند به هر گونه اقدام و پی گیری قانونی دست زنند. همچنین علیرغم اینکه در ماه نوامبر (آبان) اعلام شده بود که آنها میتوانند در قبال وثیقه آزاد شوند اما مقامات زندان (منصوبین سید علی خامنه ای)، از آزادی آنها جلوگیری می کنند و در نتیجه آنها در زندان (نامعلوم) بسر می برند.

* حکم مرگ استاد دانشگاه هاشم آغاچری که به جرم تفسیر کفرآمیز (آیات) در سال ۲۰۰۲ صادر شده بود، در ماه ژوئن (خرداد) توسط دادگاهها عالی ملغی شد. اما اتهام جدیدی علیه او مبنی بر توهین به احکام و فرایض مذهبی و "نشر اطلاعات گمراه کننده" نسبت داده شد. در جولای (تیر) او به ۵ سال زندان با حکم تعلیقی ۲ سال و ۵ سال ممانعت از تدریس محکوم شد. دادخواست نامبرده تا اواخر سال در دادگاه تهران به حالت بلاتکلیف رها شده است.

آورند. جويس ۲۱ ساله خود را براي مشتري بعدي اش آماده مي سازد. صداي موسيقي از دستگاہ ضبط صوتي به گوش مي رسد. جويس خود را با صداي موسيقي با لوندي خاصي تکان مي دهد و مي گويد: "من به دارالسلام اومدم چون اصلا نمي تونستم توي دهات تحمل کنم. اما، زندگي در اینجا هم خيلي خيلي سخته." جويس در خانه اي کاهگلي با ۱۱ زن ديگر زندگي مي کند و هر کدام گوشه اي از خانه را به خود اختصاص داده و به کار مشغولند. کوچکترین فرد این گروه یازده نفره یک دختر چهارده ساله است. در مکانی، یک سطل بزرگ آب قرار دارد که زنان بعد از اتمام کار، خود را تمیز می کنند. جويس نظرش را در مورد کارش مي گويد: "با مشتري هاي مرد صحبت مي کنم و آگه با هم به تفاهم رسيديم، اونها رو داخل مي برم. ازشون براي یک ساعت، حدود ۳۰۰۰ شيلينگ، و براي یک شب ۸۰۰۰ شيلينگ مي گيرم. بايد بگم که در روز حدود دو تا سه تا مشتري دارم."

"کشورهاي جنوب صحرای آفریقا از زمان کنفرانس سال ۲۰۰۰ ميلادي تا کنون فقيرتر شده اند و اگر اين روند همچنان ادامه يابد ما به هيچ وجه به اهداف سازمان ملل براي تخفيف فقر در جهان در سال ۲۰۱۵ ميلادي نائل نخواهيم شد."

جويس از دادن اين اطلاعات خجلت زده مي شود و به زمين نگاه مي کند. قواد او از بيرون مواظب است و همين که براي کاري دور مي شود، جويس اعتراف مي کند که براي هر بار فقط حدود ۵۰۰ شيلينگ مي گيرد، يعني حدود ۳۵ سنت، کمي کمتر از نيم يورو. جويس بايد از اين پول روزانه دست کم ۱۰۰۰ شيلينگ براي پول اتاق و آبي که در اختيارش قرار مي گيرد به قوادش بپردازد. رهما Rehema ي ۱۹ ساله هم زني روستايي ست و به خاطر مشکلاتش از ده به دارالسلام آمده و چهار سال است که به تن فروشي مي پردازد. مي گويد: "ينجا اومدم، چون کار ديگه اي نمي تونستم بکنم. پدر و مادرم مردن ومن کسي رو ندارم." رهما Rehema زن جوان و زيبايي ست. قدي بلند و لاغر دارد. پدر و مادرش پنج سال پيش درگذشتند. آيا به خاطر ايدز بود؟ رهما

بقیه در صفحه ۲۸

توسعه فقر در جهان



اگرچه مبارزه با فقر در سراسر جهان با موفقیت هایی توأم بوده، اما هنوز بیش از یک میلیارد نفر در فقر مطلق به سر می برند. این در حالی ست که سران کشورهای جهان در کنفرانس سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰ میلادی همزمان تایید کردند که باید راهکارهایی به اجرا در آید تا شمار فقیران جهان تا سال ۲۰۱۵ به نصف تقلیل یابد. کوفي عنان، دبیر کل سازمان ملل متحد، چندی پیش نگرانی خود را از به اجرا در نیامدن دقیق این طرح اعلام کرد و نمونه هایی آورد که نشان دهنده اجرا نشدن طرح تصویب شده سازمان ملل است. او از جمله گفت:

"کشورهاي جنوب صحرای آفریقا از زمان کنفرانس سال ۲۰۰۰ ميلادي تا کنون فقيرتر شده اند و اگر اين روند همچنان ادامه يابد ما به هيچ وجه به اهداف سازمان ملل براي تخفيف فقر در جهان در سال ۲۰۱۵ ميلادي نائل نخواهيم شد."

گفته هاي کوفي عنان، دبیر کل سازمان ملل متحد، در حالی ست که بیش از ۳۰۰ میلیون نفر در جنوب صحرای آفریقا با درآمدی کمتر از یک دلار در روز، زیر خطر فقر زندگي مي کنند.

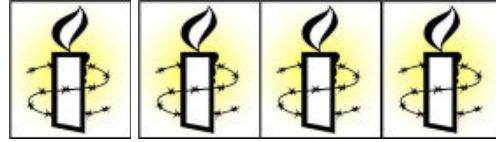
جويس Joyce و رهما Rehema در کشور تانزانیا، در شهر سه میلیون نفری دارالسلام، مرکز اقتصادي این کشور، زندگي مي کنند. آنها در یکی از مناطق فقیرنشین این شهر به نام تانداله سکنا دارند. خانه هاي مخروبه و میان شان جوي هايی، که پر است از ادرار و مدفوع و پوست پرتقال و لجن و کثافت، نمای اصلي این منطقه است. کودکان بالا و پایین مي پرند و به بازی مشغولند. جوي ها بهترین تفرجگاه پشه ها ي مالاریا گشته اند. در تانداله حدود ۷۰ هزار نفر در فضايي محدود در هم مي لولند. کسانی که در این منطقه زندگي مي کنند بي چیزند و محتاج. بعضي مقداري موز در کاسه اي حليبي ريخته اند و خواستار تعويض آن با گوجه فرنگي اند. بعضي پيتي حليبي و کچ و کوله اي را صاف مي کنند و در عوض آن یک کاسه اي ذرت دریافت می دارند. و بعضي ديگر بدن خود را در عرصه ي فروش قرار مي دهند تا پولی به دست

ترجمه: ن. نوری زاده

متن کامل گزارش سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) سازمان عفو بین الملل

در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران

این گزارش از ماه ژانویه (دیماه) الی دسامبر (بهمن ماه) ۲۰۰۴ (۱۳۸۳) را شامل میشود.



قسمت اول: پیشینه

انتخابات ناقص و بحث انگیز (فرمایشی) مجلس جدید (هفتم شورای اسلامی) در پی رد صلاحیت بسیاری از نامزدهای انتخاباتی در ماه فوریه (بهمن ماه - اسفند) به اتمام رسید و در ماه می (اردیبهشت) آغاز به کار کرد. در این انتخابات (فرمایشی) جناح های مخالف اصلاحات اجتماعی و سیاسی توانستند به مجلس راه یابند. (راه یافته گان) بعضی از طرحهایی که در مجلس جدید (هفتم) ارائه شده است، طرحهایی در مورد "پوشش نامناسب" زنان می باشند. تعداد زنانی که بعنوان نماینده در این مجلس راه یافته اند، طرحهای نمایندگان قبلی مجلس (دوره ششم) مبنی بر تساوی حقوق جنسیت ها را رد کرده اند.

گرایش سیاسی پدید آمده در مجلس (هفتم) به اعضاء نیمه رسمی حزب الله که مخالف جنبش های سیاسی اصلاحات میباشند، نیرو بخشیده است. راه یافتن این نمایندگان به مجلس، باعث تشویق قوه قضائیه و نیروهای امنیتی وابسته به آن در تحدید و سرکوب مخالفان شده است. (برای مثال) دستگیری های غیر قانونی و بازداشت افراد در زندانها و مراکز نامعلوم شدت گرفت. در نیمه اول سال، عمال مجرب قوه قضائیه کلیه بازداشت های خودسرانه و غیر قانونی، ممانعت از برخورداری متهمان از وکیل، بازداشت افراد در سلولهای (انفرادی) را بعهده داشتند. (و بدیهی است که) این امور نقض فاحش حقوق بشر در ایران می باشد.

توجهات بین المللی مبنی بر تعهدات ایران به سازمان بین المللی انرژی هسته ای (IAEA) در این سال مشهود بود. طبق گزارشات سازمان بین المللی انرژی، مقامات رسمی ایران تمام برنامه های هسته ای خود را به این سازمان گزارش نمیکردند. در نوامبر (آبان) ایران، طی یک توافق رسمی با اتحادیه اروپا، غنی سازی اورانیوم را، داوطلبانه معلق ساخت. در نتیجه روند گفتگوهای رعایت حقوق بشر، بین ایران و اتحادیه اروپا، چندین امتیاز بدست

آمد. در ماه مارس (فروردین ماه) اتحادیه اروپا اعلام نمود که بهبود بسیار کمی در وضعیت رعایت حقوق بشر مشاهده شده است اما با این حال نقض فاحش حقوق انسانی به طور گسترده باقی مانده است. چندین مدافع حقوق بشر از روند کند، غیر موثر وعدم بهبودی شفاف نسبت به رعایت حقوق بشر در ایران، انتقاد کرده اند. اتحاد اروپا، در بیانیه ای نگرانی خود را از ادامه شکنجه، عدم رعایت حقوق زنان، مجازات اعدام، تبعیض مذهبی وضعف استقلال قوه قضائیه ایران، تکرار نمود. در این رابطه، قائم مقام قوه قضائیه، محمد جواد لاریجانی، این اظهارات را در مصاحبه با روزنامه ای، رد نمود و آنرا اهانت به روند حقوق بشر دانست. در نوامبر (آبان) مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه ای در محکومیت ایران مبنی بر عدم رعایت حقوق بشر، به تصویب رساند. این قطعنامه، "عدم تطابق احکام قوه قضائیه با معیارهای بین المللی در روند قانونی محاکمات، عدم برپائی دادگاههای علنی و عدم حق برخورداری متهمان از وکیل و وجود اشکال منظم و پی در پی تبعیض، را گوشزد نموده است. همچنین این قطعنامه از مقامات ایران خواست که یک دادستان مستقل و بی طرف برای تهران بگمارند. و نیز بر تعهدات بین المللی ایران عمل نمایند. مجمع عمومی سازمان ملل بنا بر درخواست ایران، پیشنهاد خود را برای بازدید گروه کاری سازمان ملل که موضوع ناپدید شدن افراد سیاسی را بررسی می کند به تعویق انداخت.

بقیه در صفحه ۳۲



جمعیت دفاع از حقوق بشر در ایران

Society of Human Rights in Iran

- از آنجا که هر فردی میتواند بدون هیچگونه تبعیضی از کلیه حقوق و آزادیهای مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر بهره مند گردد.

- از آنجا که هر کس حق دارد برقراری نظمی را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین المللی، حقوق و آزادیهای را که در اعلامیه جهانی حقوق بشر ذکر گردیده است، تامین نماید و آنها را بموقع اجراء گذارد.

- از آنجا که حقوق انسانی را باید با وضع و اجرای قانون حمایت کرد تا بشر بعنوان آخرین علاج به قیام برضد سلطه انسان بر انسان مجبور نگردد.

جمعیت دفاع از حقوق بشر در ایران تامین حقوق و آزادیهای مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر را برای مردم ایران وجهه کوشش و همت خود قرار میدهد. از مقدمه اساسنامه جمعیت دفاع از حقوق بشر در ایران